

مهدی

خویشاوند جهان

آیت الله واعظ زاده بهسودی



واحد نشر معارف

شورای فرهنگی مدرسه دارالمعارف اهل البيت (ع)

شناسنامه کتاب

مهدی خویشاوند جهان

مجموعه مقالات تحقیقی حضرت آیت الله واعظ زاده بهسودی

ناشر: واحد نشر معارف مدرسه دارالمعارف اهلبيت (ع)

صفحه آرایي: محمد ضياء

چاپ: مطبوعه بلخ / ۰۷۰۰۲۲۱۳۱۲

نوبت و تاريخ چاپ: اول - أسد ۱۳۸۸

تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه

قیمت: ۷۰ افغانی

فهرست

پیشگفتار ۷

مقاله یکم ۱۱

مهدویت

مقاله دوم ۲۹

مهدی؛ خویشاوند جهان

مقاله سوم ۴۹

مهدویت، در منابع برادران اهل سنت

مقاله چهارم ۷۱

مهدویت، در آینه‌ی تفسیر

مقاله پنجم ۹۵

سیمای مهدی (عج) و تصویر حکومتش



پیشگفتار:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عن المعصوم عليه السلام: «زکات العلم نشرها»

فقر کتاب و کمبود منابع اصیل فکری - عقیدتی و همچنان هجوم عظیم رسانه‌ها برای کمرنگ نمودن فرهنگ غنی اسلامی، ما را بر آن داشت تا به نشر و انتشار آثار ارزشمند و گرانبهایی دست بزنیم تا از این رو توانسته باشیم وظیفه‌ی خود را در قبال انتشار و گسترش معارف حقه‌ی الهی انجام داده باشیم.

امروزه شاهد ایجاد شک و تردیدهایی در میان اقشار جامعه، بخصوص نسل جوان می‌باشیم که توسط بعضی عناصر دانسته یا نادانسته صورت می‌گیرد، و یکی از این مسائل مهدویت می‌باشد.

ما را عقیده بر آنست که خداوند همه‌ی خلائق را به «اطاعت از حضرت مهدی(عج)» فرا خوانده، زیرا اطاعت از او «اطاعت از پیامبر(ص)» است و اطاعت از پیامبر «اطاعت از پروردگار جلّ جلاله» است و خدا همه‌ی عالم را برای عبادت و اطاعت از خویش آفرید:

«و ما خلقت الجنّ و الانس الا ليعبدون» (ذاریات/۵۶)

و همچنان است که: «من مات و لم یعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة» و مهدویت حاکمیت جهانی یافتن توحید و عدالت در عصر ظهور است. همین نوع نگرش است که دشمنان اسلام را در طیّ تاریخ به توطئه‌چینی و دسیسه‌ورزی‌های گوناگون برای محو مسلمانان و جامعه‌ی اسلامی وا داشته است.

بعد از عصر اهل بیت عصمت و طهارت، علمای دین وظیفه‌ی سنگین نشر معارف را به عهده دارند. انسانها هم در عصر غیبت به وسیله‌ی چنین شخصیت‌هایی با حقایق اسلام آشنا شده‌اند و به سعادت ابدی رسیده‌اند.

یکی از این شخصیت‌های بزرگ جامعه‌ی ما حضرت آیت الله واعظزاده بهسودی است که در طول دوران زندگی‌شان تا اکنون، سعی در ترویج احکام الهی و نشر معارف اهل بیت(ع)

را داشته‌اند. از ایشان تا به حال دهها جلد کتاب مطبوع و غیرمطبوع موجود می‌باشد و همچنین مجموعه‌ای از صدها سخنرانیهای روشنگرانه‌شان وجود دارد. آنچه در پیش رو دارید یکی دیگر از آثار ارزشمند ایشان تحت عنوان: «مهدی، خویشاوند جهان»، مجموعه مقالات تحقیقی حضرت ایشان در قبال مهدویت می‌باشد، که در فصلنامه‌ی وزین فلق به چاپ می‌رسید. این مقالات توسط واحد گزینش و پژوهش ابتدا برگزیده شده و سپس به عنوان اولین کار در جهت نشر معارف اهل بیت(ع) توسط واحد نشر معارف به نشر می‌رسد.

امید است در آینده‌ای نه چندان دور به نشر و انتشار کتاب، جزوه‌های مناسب و همچنین ادعیه و زندگینامه ائمه معصومین و ... در جهت ترویج فرهنگ غنی اسلام بپردازیم.

و من الله توفیق

احمد علی راشد - ۲۷ رجب المرجب ۱۴۳۰ هـ. ق

مسئول واحد نشر معارف

مهدویت



«و لقد كتبنا في الزبور من بعد الذكر ان الارض يرثها

عبادی الصالحون»

(انبیاء / ۱۰۵)

مهدویت یا آینده‌نگری (Futurism) نگرشی جدید و پدیده‌ی نو ظهور نبوده و نیست بلکه ریشه در تمام ادیان داشته از نسل دوم بشر به این طرف مشهود بوده، در آیه فوق از تورات موسی و زبور داود ذکری به میان آمده که بیان‌گر بُعد تاریخی قضیه است، لذا در مزمور ۷۲ کتاب مقدس مزامیر آیه ۱ آمده است:

«ایخدا انصاف خود را به پادشاه و عدالت خویش را

به پسر پادشاه و او قوم ترا به عدالت داوری خواهد

نمود و مساکین ترا با انصاف، آنگاه کوهها برای قوم سلامتی را باز خواهد آورد، مساکین قوم خود را دادرسی خواهد کرد و فرزندان فقیر را نجات خواهد داد و ظالمان را زبون خواهد ساخت. از تو خواهند ترسید مادامیکه آفتاب باقی است و مادامیکه ماه است تا جمیع طبقات. او مثل باران بر علفزار چیده شده فرو خواهد آمد و مثل بارشهایی که زمین را سیراب می‌کند. در زمان او صالحان خواهند شکفت، و وفور سلامتی خواهد بود و او حکمرانی خواهد کرد از دریا تا دریا و از نهر تا اقصای جهان، به حضور وی صحرائشینان گردن خواهند نهاد و دشمنان او خاک را خواهند لیسید، پادشاهان ترشیش و جزایر هدایا خواهند آورد. پادشاهان شبا و سبا ارمغانها خواهند رسانید، جمیع سلاطین او را تعظیم خواهند کرد و جمیع امتهای او را بندگی خواهند نمود. زیرا: چون مسکین استغاثه کند او را رهایی خواهد داد و فقیران را که رهاننده ندارد برمسکین و فقیر کرم خواهد فرمود و فراوانی غله در زمین بر قله کوهها خواهد بود.»



و در مزمور ۳۷ کتاب مقدس مزامیر آیه‌ی ۲۹ نیز چنین می‌خوانیم:

«و اما نسل شریر منقطع خواهد شد، صالحان وارث زمین خواهند بود و در آن تا به ابد سکونت خواهند نمود، دهان صالح حکمت را بیان می‌کند و زبان او انصاف را ذکر می‌کند، شریعت خدای وی در دین اوست پس قدم‌هایش نخواهد لغزید.»

و همچنین در کتاب اشعیاء نبی باب ۴۵ آیات ۲۲ الی ۲۴ چنین می‌خوانیم:

«ای جمیع کرانه‌های زمین به من توجه نمایید و نجات یابید زیرا من خدا هستم و دیگری نیست، به ذات خود قسم خوردم و این کلام به عدالت از دهانم صادر گشته برخواهد گشت که هر زانو پیش من خم خواهد شد و هر زبان به من قسم خواهد خورد و مرا خواهند گفت: عدالت و قوت فقط در خداوند می‌باشد و به سوی او خواهند آمد»

و نیز در آیات ۱ الی ۹ باب ۱۱ از همان کتاب آمده است:



«و نهالی از تنه‌ی یسی (یسی پدر حضرت داود و نوه‌ی راغوت بود و به طور مشهور بود که داود را پسر یسی می‌نامیدند در صورتی که خود داود شهرت و شخصیت عظیمی داشته، از پیامبران بزرگ بنی اسرائیل بود.) بیرون آمده شاخه‌ای از ریشه‌هایش خواهد شکفت و روح خداوند بر او قرار خواهد گرفت، یعنی روح حکمت و فهم و روح مشورت و قوت و روح معرفت و ترس خداوند ... مسکینان را به عدالت داوری خواهند کرد و به جهت مظلومان زمین به راستی حکم خواهد نمود ... گرگ با بره سکونت خواهد داشت و پلنگ با بزغاله خواهد بود شیر و گوساله‌ی پرواری با هم و طفلی کوچک آنها را خواهند راند و گاو با خرس خواهد چرید و بچه‌های آنها با هم خواهند خوابید ... و طفل شیر خواره در سوراخ مار بازی خواهد کرد و طفل از شیر باز داشته شده دست خود را به خانه افعی خواهد گذاشت.»

در کتاب عهد عتیق باب دوم به این مضمون صراحت دارد که: منتظر باش که او خواهد آمد و درنگ



نخواهد نمود، تمام قوم‌ها را برای خویشتن فراهم می‌آورد و جمیع امت را نزد خود جمع می‌کند.

از ادیان برحق ابراهیمی که بگذریم در کتب زرتشتی مانند: زند، پازند، جاماسب نامه، اوستا و در کتب شبه ادیان و مذاهب هند و چین مانند: پاکتیل، باسیک و ... سخن از پیروزی آهورامزدا بر اهریمن و حق بر باطل آمده است.

قضیه‌ی مهدویت در قرآن عظیم‌الشأن به طور بهت‌آوری تذکر رفته، طوریکه آیات زیر تفسیر یا تأویل به حضرت مهدی (عج) شده‌اند:

- ۱- آیه‌ی ۵۵ سوره مبارکه نور
- ۲- آیه‌ی ۵۴ سوره مبارکه مائده
- ۳- آیه‌ی ۵ سوره مبارکه قصص
- ۴- آیه‌ی ۳۳ سوره مبارکه توبه
- ۵- آیه ۱۰۵ سوره مبارکه انبیاء
- ۶- آیه‌ی ۶۹ سوره مبارکه زمر
- ۷- آیه‌ی ۶۲ سوره مبارکه نمل
- ۸- آیه‌ی ۱۷ سوره مبارکه حدید
- ۹- آیه‌ی ۸ سوره مبارکه صف



۱۰- آیات سوره عصر و ...

دانشمندان و نوابغ علمی نیز به نحوی از وقوع امنیت سراسری و رفاه اجتماعی و صلح و برادری که جز در حکومت مهدی قابل تحقق صد در صدی نیست سخن به میان آورده، مثلاً داکتر علی قائمی در کتاب «مسئله‌ی انتظار- صفحه ۵۱» به نقل از انشتین می‌گوید:

«جهانی که در آن صلح و صفا باشد و همه مردم با هم دوست و برادر باشند چندان دور نیست. ملل جهان از هر رنگ و نژادی که باشند می‌توانند در زیر پرچم واحد بشریت گرد هم آیند، در صلح و صفا و برادری زندگی کنند...»

روایات اسلامی بیشتر از آیات موضوع مهدی موعود را از دو طریق شیعه و سنی متذکر شده‌اند که به جز عوام بی‌خبر اهل سنت که انکار دارند رجال و اهل بصیرت‌شان نه تنها قبول که کتب بسیاری درباره‌ی مهدی و انتظار نوشته‌اند مانند:

- الاربعین، مناقب المهدی و نعت المهدی از حافظ ابو نعیم اصفهانی



- البيان في اخبار صاحب الزمان از حافظ گنجی

شافعی

- اخبار المهدی از جلال الدین سیوطی

- البرهان فی ما جاء فی صاحب الزمان از متقی

هندی و ...

قابل ذکر است که گنجاندن ۵۰۰ حدیث در شصت

عنوان کتاب توسط برادران اهل سنت در موضوع

مهدی موعود از اهمیت ویژه برخوردارند. رجال اهل

سنت که هر کدام در تفسیر و حدیث لقب امام را به

خود گرفته‌اند به ترتیب از موضوع مهدی موعود،

سخن گفته‌اند مانند:

- مسلم در صحیح، ج ۱، ص ۱۳۶

- بخاری در صحیح، ج ۴، ص ۲۰۵

- ابن ماجه در سنن، ج ۲، ص ۱۳۵۹

- نعمانی در الغیبه، ص ۵۷

- ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه، ج ۱۰، ص ۹۶

- امام احمد حنبل در مسند، ج ۱۵، ص ۲۷۷

- ابن حبان در صحیح، ج ۱۵، ص ۲۳۷

- ابی یعلی در مسند، ج ۲، ص ۲۷۴



قطعیت در مهدویت

در قطعیت مهدویت تذکر قرآن از زیور داود(ع)، تورات موسی(ع) دلالت بر حتمیت موضوع دارد و الا چه ضرورت داشت که از کتب قدیم انبیاء، زکری به عمل بیاورد مثل اینکه در شرایط کنونی حکومت کرزی، بگوئیم پلان سرک فلان جا از دوره حکومت داود و ظاهر بوده لذا حکومت کرزی نیز نمی‌تواند تخطی نماید، یا اینکه بگوئیم آفتاب هر روز طلوع می‌کرده فردا هم طلوع خواهد کرد، قرآن می‌فهماند که ظهور مهدی موعود چیزی جدید نیست تا با تعجب نگاه نمایید بلکه ظهوراتی در طول تاریخ بشر صورت گرفته نظیر ظهور موسی(ع)، عیسی(ع)، نوح(ع)، ابراهیم(ع)، لوط(ع)، صالح(ع)، پیامبر اسلام(ص) و تمام انبیاء عظام بعد از دوران ظلم، تاریکی، اجحاف و ستم، این بار ابراهیم دیگری، موسی دیگری، صالح دیگری، هود دیگری، سلیمان دیگری منتهی به عنوان خاتم اوصیاء ظهور خواهد کرد.

دلیل دیگر بر قطعیت موضوع انتظار المهدی، «ادعای مهدویت» از سوی افراد متعددی در طول تاریخ اسلام



که نشانگر مسلم بودن قضیه است می‌باشد، که اگر موضوع قطعی در فرهنگ اسلام و لسان روایات به ویژه نبی اکرم(ص) نبوده این ادعاها جا نداشت و حتی افراد مدعی مهدویت می‌خواستند در پناه این نام و این ادعا پیروزی خود را به اذهان بقبولاند و دشمنان خویش را بیم دهد.

دلیل دیگر بر قطعیت قضیه نام کردن عده کثیری از خلفاء بنی عباس با اسم مهدی، هادی، مهتدی، و از این قبیل واژه‌های یک خانواده‌ایی، دلیل خوبی است بر حتمیت قضیه، زیرا: با نامیدن خودها به چنین نام‌های می‌خواستند به عمر حکومت‌شان بیفزایند و رقباء را بترسانند و توده عوام را بسیج نمایند که این‌ها مهدی امت هستند، تا قضیه روشن شود که اینها مهدی نیستند کاروان‌شان به منزل می‌رسند.

اتفاق ادیان ابراهیمی و شبه ادیان چینی و هندی و نوابغ علمی جهان در موضوع مهدویت منتهی گاهی در قالب حزب، گاهی در قالب دین، گاهی در قالب علم و سیاست به طور ناخودآگاه موضوع مهدویت را اذعان می‌کنند. قاعده لطف



که وجوب آن بر خداست و اینکه امامت لطف است پس بر خدا واجب است که مردم نمونه طلب و الگوخواه را به الگوی اکمل رهنمایی کند، قطعیت موضوع را میرساند و اینکه انقطاع فیض خلاف حکمت خالق جهان است نیز به خرمن استدلال ما می افزاید.

طول عمر

در منشور مهدویت یکی از دهها سؤالی که مطرح است موضوع طول عمر حضرت است که برخی شبه فکنان طول عمر آن حضرت را مستبعد می دانند که چگونه می شود از سال ۲۵۵ هـ. ق تا به حال که یازده قرن و هفتاد و اند سال می شود انسانی زنده بوده و هنگام ظهور هم جوان باشد، عرض ما اینست که موضوع طول عمر نه تنها مستبعد نیست که قابل قبول و مسلم است. زیرا: «عقل»، «علم»، «ادیان» و «تاریخ بشری» هر چهار حاکم حکم به امکان و تحقق می کند. عقل طول عمر یک انسان را در سالهای طولانی ممکن می داند نه محال، زیرا: زندگی هزار ساله یا بیشتر یک انسان



نه از باب ارتفاع و اجتماع نقیضین است و نه از باب اجتماع
ضدین و نه از باب خلق شریک برای خداوند تا محال باشند
بلکه ممکن و قابل وقوع است.

علم نیز عمر طولانی را ممکن دانسته، مرگ را یک
بیماری می‌داند و لذا بحث جوان ماندن و به تعویق
انداختن پیری و رفع عوامل فرسایش‌گر مطرح است،
اقلیم، غذا، ژن، حالات روحی و روانی و رعایت
بهداشت در طول عمر مؤثر است، مگر نه اینست که
عمر چهارصد برابر ملکه‌ی زنبور عسل بر بقیه
زنبوران معلول عسل شاهانه است؟!

در دایره المعارف بریتانیا جلد ۱۴، ص ۳۷۶ آمده
است:

«درختی در کالیفرنیا آمریکا به نام (سکونیا) که
برخی از این درختان ۳۰۰ پا ارتفاع و ۱۱۰ پا محیط
دور تنه دارند، متجاوز از ۵۰۰۰ سال عمر دارند. و
درختی در جزیره اوتاوا از جزایر کاناری به نام (خون
سیاوش) از قرن‌های قبل از خلقت انسان، نشو و نمو
داشته.»



روزنامه اطلاعات در شماره ۱۱۸۹۵ خود از قول
 پروفیسور اسمیس، استاد دانشگاه کلمبیا می‌نویسد:
 «حد و حصر سن مثل دیوار صوتی است همانطور
 که دیوار صوتی امروزه شکسته شده، این دیوار سن
 نیز روزی خواهد شکست.»

و همان روزنامه در شماره ۱۱۳۷ خود از قول
 واسیلی زاخارچینگو، دانشمند روسی، می‌نویسد:
 «با وسایلی که امروزه در دست تهیه است و
 مطالعات و آزمایش‌هایی که به عمل آمده، می‌توان افراد
 بشر را به خواب برده، پس از هزار سال دیگر بیدار
 کرد، بی آنکه کوچکترین عیبی دیده باشند.»

داکتر الکسیس کارل دانشمند معروف فرانسوی با
 کمک همکارانش در سال ۱۹۱۲ م درباره سلول‌های
 حیوان زنده، موضوعات زیر را کشف کرد:
 ۱- سلول‌های زنده مادامیکه که عارضه‌ای باعث
 مرگشان نشود، مثل کمبود مواد غذایی و دخول
 میکروب‌ها برایشان پیش آمد نکند، همواره زنده
 خواهند ماند.



۲- اجزای مذکور نه تنها حیات دارند، بلکه دارای نمو و تکثیر هستند. همچنان که اگر جزء بدن حیوان بودند نمو و تکثیر داشتند.

۳- نمو و تکثیر آنها را با غذایی که برایش تهیه می‌شود می‌توان مقایسه و اندازه‌گیری نمود.

۴- مرور زمان تأثیری در آنها ندارد و پیر و ضعیف نمی‌گردند، بلکه اندک اثری هم از پیری دیده نمی‌شود... از اینجا می‌توان فهمید که پیری علت نیست بلکه معلول است.

از طرف دیگر ماهیت «حیات» این جوهر مرموز از نظر علم حل شده نیست، تعاریفی که تا هنوز صورت گرفته تعاریفی از آثار حیات است نه خود حیات، نمو، حرکت، تغذیه، توالد و تناسل از آثار حیات‌اند که بیولوژی به ما تعریف کرده‌اند ولی خود حیات تا هنوز لاینحل باقی است مادامیکه حیات تعریف نشود چگونه می‌توان از عمر طولانی انتقاد کرد؟

ادیان نیز از وقوع عمر طولانی خبر داده‌اند مثلاً:

خواب سیصد ساله اصحاب کهف و بیدار شدن آنان

بدون تغییر فیزیکی در اندام آنان و هم چنین خواب



صد ساله عزیز نبی و الاغ و شراب‌شان که در قرآن
عظیم‌الشان آمده‌اند. چگونه می‌شود که اصحاب کهف
بتواند سیصد سال بخوابند و نپوسند و عزیز صد سال
بخوابد و در این مدت غذایش فاسد نشود؟! ولی
حضرت مهدی(عج) نتواند زنده بوده، پیر و فرسوده
شود؟!!

تاریخ بشری نیز از دراز عمرهایی گفته که به وقوع
پیوسته مثل:

- عمر ۹۳۰ ساله‌ی آدم(ع)
- عمر ۹۱۲ ساله‌ی شیث(ع)
- عمر ۹۶۰ ساله‌ی انوش
- عمر ۹۲۰ ساله‌ی قینان
- عمر ۸۰۰ ساله‌ی مهلائیل
- عمر ۱۰۰۰ ساله‌ی ادریس
- عمر ۹۶۰ ساله‌ی متوشالح
- عمر ۹۰۰ ساله‌ی جمشید
- عمر ۸۰۰ ساله‌ی عمر بن عامر
- عمر ۱۲۰۰ ساله‌ی عاد
- عمر ۱۷۰۰ ساله‌ی ضحاک اول



- عمر ۱۰۰۰ ساله ضحاک دوم

- عمر ۳۰۰۰ ساله ی ذی القرنین

- عمر ۱۷۰۰ ساله ی ریان ابن دوامغ (عزیز مصر)

- عمر ۳۵۰۰ ساله ی لقمان حکیم

در این باب می توان به کتب «المعمّرون» سجستانی، «کمال الدین» صدوق، «الغیبه» شیخ طوسی (ره) و «البرهان» کراچی مراجعه کرد.

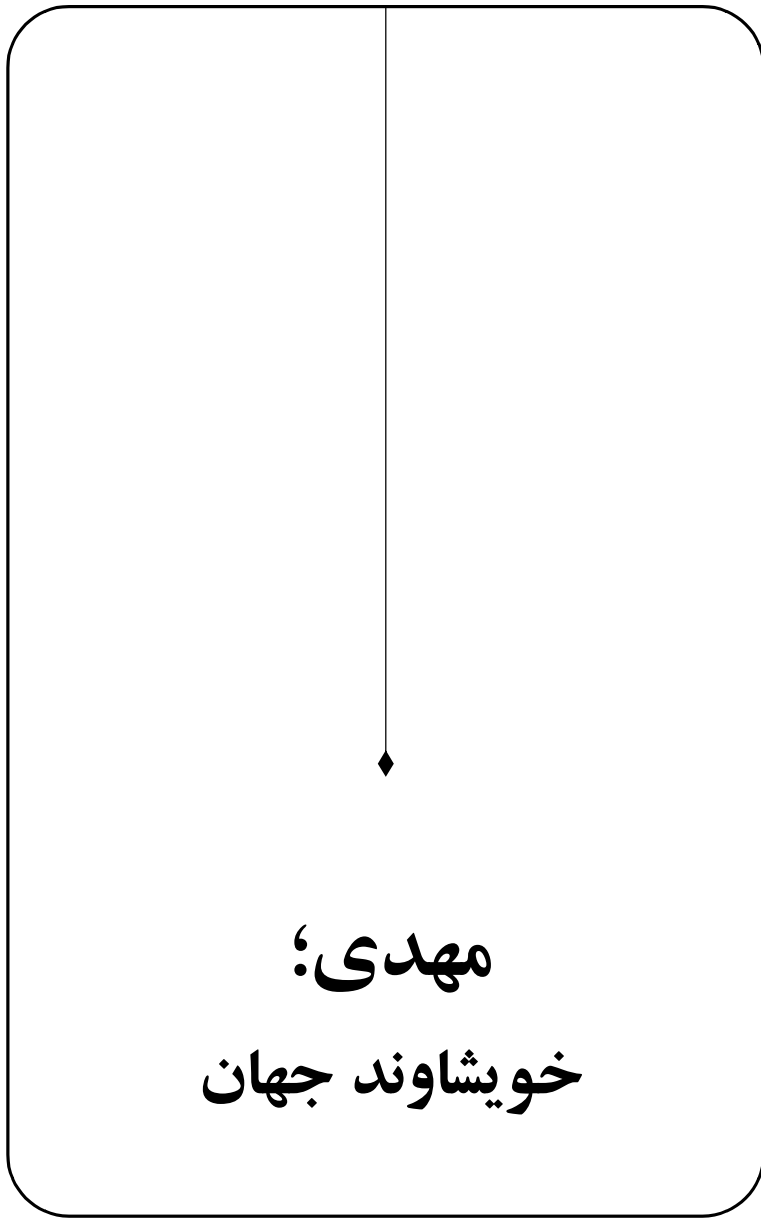
گذشته از همه «قدرت» صفت ذاتی خالق متعال است و عمر طولانی میشود متعلق قدرت باشد و زنده ماندن یک انسان در هزار و یکصد سال از زنده شدن مردگان به دست حضرت عیسی (ع) و زنده شدن چهار پرنده به دست حضرت ابراهیم (ع) و زنده شدن کشتگان قوم موسی و زنده شدن مقتول بنی اسرائیل دشوارتر نیست. و هم از خلق خود انسان این موجود بسیار شگفت و خلق کائنات بی عرض و طول و کل موجودات جهان هستی شگفت اور نیست.

خدای کین جهان پاینده دارد تواند حجّتی را زنده دارد

اگر تمام گفته‌ها مقبول نیفتد می‌توان گفت عمر
حضرت مهدی(عج) یک «استثناء» است در حالیکه
استثناء در عالم موجودات پر است، آتش سوزنده است
اما ابراهیم را نسوزاند، عصا نمی‌شود در یک آن اژدها
شود اما در مورد موسی کلیم استثناء خورد، آب
نمی‌شود مانند دیوار بایستد ولی در داستان موسی و
قوم بنی اسرائیل استثناء خورد و ...

استثناءات در تمام موجودات ثابت است، در اتم، در
حیوان، در انسان، در گیاه، در جماد، چه می‌شود که
حضرت مهدی(عج) هم یک استثناء در تاریخ بشری
باشد؟ و چه استبعاد دارد؟!





بُشر بن سلیمان

بُشر بن سلیمان یکی از فرزندان انصار است،
انصاری که پیامبر گرامی اسلام درباره آنان فرمود:
«با خوبان انصار خوبی کنید و از بدان‌شان درگذرید.»
بشر مانند نیاکانش در خدمت ولایت بود.
می‌گوید: شب بود و صدای کوبیدن درب خانه
بیدارم کرد، پشت درب رفتم و صدای «کافور»
غلام امام هادی سلام الله علیه را شناختم که مرا
بخانه امام می‌خواند، لباسم را پوشیده به خانه
امام اندر شدم، امام علیه السلام با خواهرش
حکیمه و پسرش امام عسکری سلام الله علیه
نشسته‌اند و گفتگو دارند.



به من فرمود: خداوند انصار را شرافت بخشید و اکنون شما به امر شریفی مأمورید، دست قبول بر چشمان نهادم. امام نامه‌ای بزبان رومی نوشت و پایان آنرا با مهر مبارکش ممهور ساخت و فرمود: بغداد می‌روی، در فلان روز در کنار رود فرات در جمع مشتریان برده انتظار رسیدن قایق‌های حامل بردگان را می‌کشی و شخصی به نام عمر بن یزید را پیدا می‌کنی و کنار او منتظر می‌مانی، کاروان اسیران می‌آیند و در میان آنان اسیری با خصوصیت حیاء و عفت فراوان و حجاب کامل را می‌بینی که دو لباس حریر ضخیم بر تن پوشیده و با حدی نگاه نمی‌کند و به کسی هم اجازه نگاه نمی‌دهد، وقار و بزرگی از حرکاتش پیداست. خریداری به سیصد دینار مشتری او می‌شود، او به شدت امتناع می‌نماید و چون خریدار می‌خواهد نقاب او را بردارد و نگاه نماید با عکس العمل شدید کنیز روبرو می‌شود و صاحبش در غضب گردیده او را می‌زند و او چیزی به زبان رومی می‌گوید که معنایش این است: «آه از هتک حجابم» تو او را خریدار شو و با این مبلغ که در داخل کیسه نهادم یعنی



دو صد و بیست دینار به توافق می‌رسید او را ایتباع
نموده با احترام به سامرا می‌آوری.

بسوی بغداد

بشر بن سلیمان که وظیفه خریداری بردگان را قبلاً
هم عهده‌دار بود و احکام خرید بردگان را از امامش یاد
گرفته بود راهی بغداد می‌شود. بشر قدم به بغداد نهاده
به آدرس امام در روز موعود در جمع کثیر خریداران
برده حضور می‌یابد و انتظار رسیدن قایق‌های اسیران
را می‌کشد که کاروان هم از راه می‌رسند و خیل
اسیران که مسلمان‌ها در نبرد با رومی‌ها به اسارت
گرفته‌اند را پیاده می‌کنند، بشر بی‌درنگ سراغ عمر بن
یزید را می‌گیرد و انگشتی او را نشان می‌دهد و او
خود را کنار او می‌رساند و از او می‌پرسد که آیا شما
عمر بن یزید هستید؟ پاسخ آری می‌شنود.



صحنه‌ی تماشایی

داستان به همان منوال که امام قبلاً شرح داده بود تماشا می‌شود و بشر بن سلیمان با تعجب تمام گفته‌های امامش را مو به مو منطبق می‌بیند، گویا او خود شاهد بازار برده فروشان بوده، کنیزی را با همان نشانی و اوصاف مشاهده می‌نماید و خریدار را همانگونه به مبلغ سیصد دینار می‌بیند و کنیز را همچنان ممتنع که به عربی فصیح می‌گوید: «اگر سلیمان باشی و بر تخت پادشاهی او هم بنشینی میلی در من نسبت به خودت نمی‌یابی»

و صاحب کنیز: «تو اسیری و متعلق به من ناگزیر تو را باید بفروشم»

کنیز: عجله‌ای نیست، مشتری من می‌رسد.

من وارد گفتگو با صاحب کنیز شدم و نامه را به کنیز دادم، او چون نامه را گشود و محتوای آنرا مطالعه نمود، بی‌درنگ به صاحبش گفت: «مرا به صاحب این نامه بفروش و الا خودم را نابود می‌کنم.»

در نتیجه‌ی چانه‌زنی مبلغی که امام در کیسه نهاده بود (۲۲۰ دینار) به توافق رسیدیم و کنیز را تسلیم شده در شهر



بغداد اتاقی اجاره نمودم تا شبی اتراق نموده، فردا عازم «سامرا» شویم.

حدیث نفس

بشر با خود حدیث نفس نموده می‌گوید: همیشه کنیز می‌خریدم ولی این بار با آدرس از پیش تعیین شده و اوصافی از قبل بیان شده و کنیز هم ممتنع از سایرین و علاقه‌مند به صاحب نامه، چه رازی است در این قضیه که من آگاه نیستم، بسیار شبیه است به داستانهای مادران انبیاء چون عیسی مسیح و موسی کلیم الله و ... نمی‌دانم،

«و مکروا و مکر الله و الله خیر الماکرین» (آل عمران/۵۴)

و نیز «الله اعلم حیث يجعل رسالته» (انعام/۱۲۴)

و نیز «و اوحینا الی ام موسی ان ارضیه و ان خفت علیه فالقیه فی الیمّ و لاتخافی و لا تحزنی انا رادّوه الیک و جاعلوه من المرسلین» (قصص/۷) جلّ الخالق و جلّ حکمه و حکمته.

گفتم خانم! به این اتاق استراحت کن تا رفع خستگی نمایی و علی الصباح عازم شهر سامرا هستیم، خواستم پا بیرون



نهم، پایم سنگینی کرد، برگشتم و پرسیدم، خانم! حرکات شما، وضعیت شما، و داستان من و خریداری امروز سؤالاتی در ذهنم ایجاد نموده که اگر جواب دهید:

اولاً: چرا مشتری اول را رد کردید؟!

ثانیاً: چرا مشتری دوم را که صاحب نامه بود بدون اینکه او را دیده باشی پذیرفته و اصرار کردی؟!

ثالثاً: چرا فقط شما از بین دختران روم محجبه و باوقار و طمأنینه هستید؟!

رابعاً: شما که رومی هستید از کجا عربی فصیح بلد شدید؟!

خامساً: نرگس که معرب آن می شود نرجس نام عربی است و شما رومی، چگونه نام رومی به خود ننهاده‌اید؟!

نرگس که نگاههای محبانه به نامه و مهر امام داشت، با آه حاکی از امید و پیروزی شرح حکایت را اینگونه آغازید:



از زبان نرگس

من «ملیکا» دختر «یشوعا» پسر قیصر روم، نسبت
 مادرم به یکی از فرزندان شمعون وصی حضرت
 مسیح می‌رسد، سیزده ساله بودم که پدر بزرگم
 قیصر، مرا به یکی از پسران برادرش نامزد نمود و
 مراسم بس باشکوه ترتیب داد که در آن محفل حدود
 سیصد نفر از عالمان از نسل حواریان مسیح(ع) و
 هفتصد نفر از بزرگان و رهبانان و چهارهزار نفر از
 فرماندهان ارتش و والیان و مهمانان کشور روم
 شرکت داشتند، تختی مرصع نشان بر فراز چهل پله
 برای داماد نهاده بودند، دو طرف پله‌ها را با صلیب‌ها
 تزیین نموده بودند، اسقف‌های مسیحی با انجیل‌های
 باز، داماد را تا تخت مروارید نشانش، همراهی کردند
 که ناگهان لرزش و تکان شدید همراه با صدای مهیب
 نظم و چیده‌ها را بهم زد و داماد از تختش سرتگون
 شده مدهوش گردید.



اسقف‌ها از پدر بزرگم خواستند که این وضعیت
 بیان‌گر سقوط مسیحیت و به صلیب رفتن حضرت
 مسیح بوده لهذا ما را از این پیوند شوم معاف دارید،

پدر بزرگم قیصر، برای رفع مشئومیت محفلی نظیر محفل اول ترتیب داد و برای پسر دیگر برادرش نامزد نمود، این بار نیز وضعیت قبلی با شدت و وحشت بیشتری تکرار شد، بگونه‌ای که اهل محفل پا به فرار نهادند و داماد نقش زمین گردید، پدر بزرگم قیصر به درون قصرش گریخت.

فرزند مسیح خواستگاری شد

در همان شب در عالم رؤیا دیدم که حضرت عیسی مسیح علی نبینا و علیه السلام با حواریان و وصیش شمعون در محلی که محفل دامادی ترتیب یافته بود مشرف بودند که پیامبر آخر الزمان با جمعی از یاران و اوصیایش بر مسیح وارد شدند، حضرت مسیح با احترام تمام از خاتم المرسلین و یارانش استقبال نموده، کنار هم نشستند، بعد از خوش آمدید و تعارفات پیامبر اسلام فرمودند:

ما برای امر خیری خدمت شما رسیده‌ایم و آن اینکه: دختر وصیت شمعون را برای پسر وصیم علی الهادی خواستگاری داریم و با دستش به جوانی ماه سیما و بزرگواری که حسن عسکری صاحب این مهر و امضاء باشد اشاره نمود و



حضرت مسیح(ع) به وصیش شمعون رو کرده فرمودند: شرافت و نجابت به سویت رو آور شده است و در همان مجلس مرا به ایشان دادند، بعد از آن مراسم، محبت صاحب این خط و امضاء هر روز بیشتر و بیشتر می شود.

استشفاء به آزادی اسرای مسلمان

از خواب برخاستم که همان قصر و همان قیصر، ولی محبت صاحب این مهر و امضاء مرا مجذوب نمود که از خورد و خواب ماندم و کم کم مریض شده به بستر افتادم، پدر بزرگم قیصر اطباء حاذق کشور روم را به معالجه ام خواند ولی بهبودی حاصل نگردید، روزی پدر بزرگم نگرانی خودش را از رنجوریم به من اظهار نموده تأسف خوردند و نا امیدانه از من راه علاج جستجو کرد، بنده گفتم: پدر بزرگ!

اگر زنجیر و کنده را از زندانیان مسلمان برداری و تخفیف در عذاب آنان قائل شوی، ممکن است بهبود یابم.

پدر بزرگم که ایمانی به این کار نداشت و آنرا پیشنهادی بس کودکانه و سخیف پنداشت از باب

دلخوشی من انجام داد، بر خلاف انتظار او، حالم بهبود یافت. تا اینکه در یکی از شبها در خواب دیدم که بانوی دو جهان حضرت فاطمه زهرا(س) همراه با مریم بنت عمران و زنانی بس نورانی و مجلله عیادتم آمد و از حالم جويا شد، عرض کردم بانویم! بعد از خواستگاری، فرزند شما خبری از من نگرفته است، آیا رسم وصلت این است؟!؟

بانویم فرمود: دخترم! تشرّف شما به اسلام این وصلت را تضمین نموده، دیدار در بیداری را نصیب خواهد کرد، من بی‌درنگ کلمه طیبه اسلام را به زبان جاری نمودم و در حضور بی‌بی‌ام تشرّفم را به اسلام اقرار نمودم، بعد از آن هر شب به دیدار صاحب این دستخط نایل می‌شدم.

بانویی در لباس اسیری

شبی امام به من فرمود: پدر بزرگم قیصر لشکری به منظور مقابله با اسلام ترتیب می‌دهد و تاریخ و روزش را نیز مشخص ساخت، پس شما اگر علاقه دیدار در



بیداری را دارید در لباس خدمتگاران دربار از قصر
خارج شده، خود را به نزد صفوف مسلمین برسانید:

سحرم دولت بیدار ببالین آمد
گفت برخیز کآن خسرو شیرین آمد
مژدگانی بده ای خلوتی نافه گشای
که ز صحرای ختن آهوی مشکین آمد
مرغ دل باز هوا خواه کمان ابروی است
ای کبوتر نگران باش که شاهین آمد

روزها گذشت که جیش پدرم آماده شد، در همان
روز که مولایم وعده کرده بود آرایش نظامی صورت
گرفت و من همان کردم که دستور فرموده بود، این
بود که اسیر شدم و به این جا رسیدم.

پرسیدم، خانم! یک سؤال باقی ماند که شما عربی
را از کجا بلد شدید؟! فرمود: من به زبان خارجی علاقه
پیدا کردم، پدر بزرگم معلمی را در داخل قصر مأمور
تعلیم نمود و عربی را در داخل قصر بلد شدم و برای
اینکه نفهمند من از نوادگان قیصرم نامم را کتمان کردم



و نامم را نرگس گفتم، چون می دانستم عجم‌ها
دخترانش را نرگس نام می‌نمایند.

بشر: دست به آسمان برداشته خواندم:

«الحمد لله الذی هدانا لهذا و ما کنا لنهتدی لولا ان هدانا الله»

(اعراف/۴۳)

«ربنا لاتزغ قلوبنا بعد اذ هدیتنا و هب لنا من لدنک رحمة

انک انت الوهاب» (آل عمران/۸)

براستی که نشانه و آیات را برای بشریت نمایاندی
تا جز قلب مشرک و منافق زمینه انکاری باقی نماند،
جلّ حمده و ثنائه.

در محضر امام هادی(ع)

رؤیای «ملیکا» به واقعیت تبدیل شده، محضر امام
هادی(ع) را درک می‌نماید، امام هادی(ع) رو به «ملیکا»
نموده می‌فرماید: می‌خواهم به تو بخششی نمایم، ده
هزار درهم یا شرف همسری پسرم «ابا محمد» را؟

«ملیکا»: البته شرف را.



امام هادی(ع): «پس تو را به فرزندی بشارت می‌دهم که
شرق و غرب عالم از اوست و زمین را آنچنانکه از ستم
آکنده شده از عدل و داد پیر خواهد کرد.»

«ملیکا»: از چه کسی؟!

امام هادی(ع): در فلان شب و فلان تاریخ رسول
خدا تو را از مسیح و شمعون برای چه کسی
خواستگاری کرد؟ و مسیح نبی با شمعون وصیش
شما را به عقد چه کسی اجازت داد؟
«ملیکا»: عقد پسرت «ابا محمد».

امام هادی(ع): آیا او را می‌شناسی؟
«ملیکا»: فقط در عالم رؤیا دیدم.

امام(ع) به «کافور» غلامش دستور فرمود: نرگس را
به خواهرم حکیمه بسپار تا احکام اسلام را به ایشان
بیاموزاند، نرگس از حکیمه احکام آموخت و افتخار
وصلت را نصیب گردید.

نفس باد صبا مشک فشان خواهد شد

عالم پیر دگر باره جوان خواهد شد

ارغوان جام عقیقی به سمن خواهد داد

چشم نرگس به شقایق نگران خواهد شد



امشب مهدی به دنیا می آید

اولین شکوفه‌ی درخت وصلت به ثمر می‌نشیند و امام حسن عسکری(ع) به عمه‌اش حکیمه خاتون نجوا کرده، می‌گوید: عمّه جان! امشب خانه ما بیا و مواظب نرگش باش که امشب مهدی به دنیا می‌آید.

حکیمه خاتون طبق دستور در موعود مقرر خانه‌ی پسر برادرش آمده با تعجب می‌بیند که آثار حمل در نرگس نیست چه رسد به زایمان و از طرفی هم هیچگاهی از پسر برادرش دروغی نشنیده، شب را چندین بار باخواب و بیداری و ترصد از نرگس می‌گذرانند و قریب فجر صادق با شک و حیرت کنار نرگس نشسته به خواندن سوره‌های «الم سجده» و «یس» آغاز می‌نمایند که ناگهان نرگس از خواب می‌پرد و همزمان صدای امام عسکری(ع) از اطاق همجوار حکیمه را مخاطب قرار داده، می‌گوید: عمّه! سوره «قدر» بخوان که مسیح دوران قدم به دنیا می‌گذارد، از نرگس پرسیدم آیا احساس درد داری؟! فرمود: آری، درد دارم.



لحظاتی که شک و تردیدم را می زدود به پایان رسید و
نوزاد سر به سجده داشته سوره قدر را با من همخوانی کرد
«انا انزلناه فی لیلة القدر...»

و سپس مسیح وار لب به سخن گشوده خواند: اشهد
ان لا اله الا الله و ان جدی محمد رسول الله و به تعقیب
اجداد طاهرینش را به امامت گواهی کرده، چون به خود
رسید خواند:

«و نرید ان نم علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم
ائمةً و نجعلهم الوارثین...» (قصص/۵)

و گفت: خداوندا!! آنچه وعده کرده ای محقق کن، کارم را
به انجام رسان، قدم هایم را استوار و زمین را بوسیله ام از
قسط و عدل پر ساز!

ستاره ای بدرخشید و ماه مجلس شد
دل رمیده ی ما را انیس و مونس شد
نگار من که به مکتب نرفت و خط ننوشت
به غمزه مسئله آموز صد مدرس شد



حکیمه با شادی وصف ناپذیر به خانه‌اش رفته، علی
الطلوع به خانه پسر برادرش برمی‌گردد و یگراست به
طرف بستر مهدی، ولی خلاف انتظار بستر را خالی
می‌بیند، دست و پاچه و رنگ باخته به امامش عرض
حال می‌نماید، امام با آرامش تمام می‌فرماید:
عمه‌ام! ناراحت نباش، او را به کسی سپرده‌ام که
مادر موسی کودکش را به او سپرد.

ای غایب از نظرها بخدا می‌سپارمت
جانم بسوختی و ز جان دوست دارمت
تا دامن کفن نکشم زیر خاک
باور مکن که دست ز دامن بدارمت
خواهم که پیش مردنم ای بی وفا طیب
بیمار باز پرس که در انتظارمت
و خواند:

«فرددناه الی امّه کی تقرّ عینها...» (قصص/۱۳)

آری او بازگشت و عمه‌اش در روز هفت نیز سیمای او را
تماشا کرد که جامع نیاکان نیک سیرتش بود، صولت
حیدر(ع)، حلم حسن(ع)، شجاعت حسین(ع)، علم باقر(ع)،



صداقت صادق(ع)، کظم کاظم(ع)، غربت رضا(ع)، جود جواد(ع)، هدایت هادی(ع)، تقیه بابا و فداکاری زهرا(س).

نتیجه

اینک که پا به پای داستان آمدید آموزه‌های این قصه عجیب و واقعیت غریب این خواهد بود که خداوند توسط او شرق و غرب جهان را آشتی خواهد داد، زیرا: او خویشاوند جهان است. او از پدر شرقی و مادر غربی زاده شده و دست تقدیر طراحی زیبا در تاریخ این وصلت رسم کرده است و می‌فهماند که روز قیام او جهان با او بیگانه نیست و همه احساس خویشی و خودی می‌نماید و نشان می‌دهد که غایت بس عالی و شکوفای بس ایده‌آلی در پی سرنوشت جهان و بشریت است و بشر روزی گم کرده خود را باز خواهد یافت و دست نوازشگر او همگان را نوازش خواهد داد، زیرا: اوست که در میان اهل زبور به زبور، در میان اهل تورات به تورات، در میان اهل انجیل به

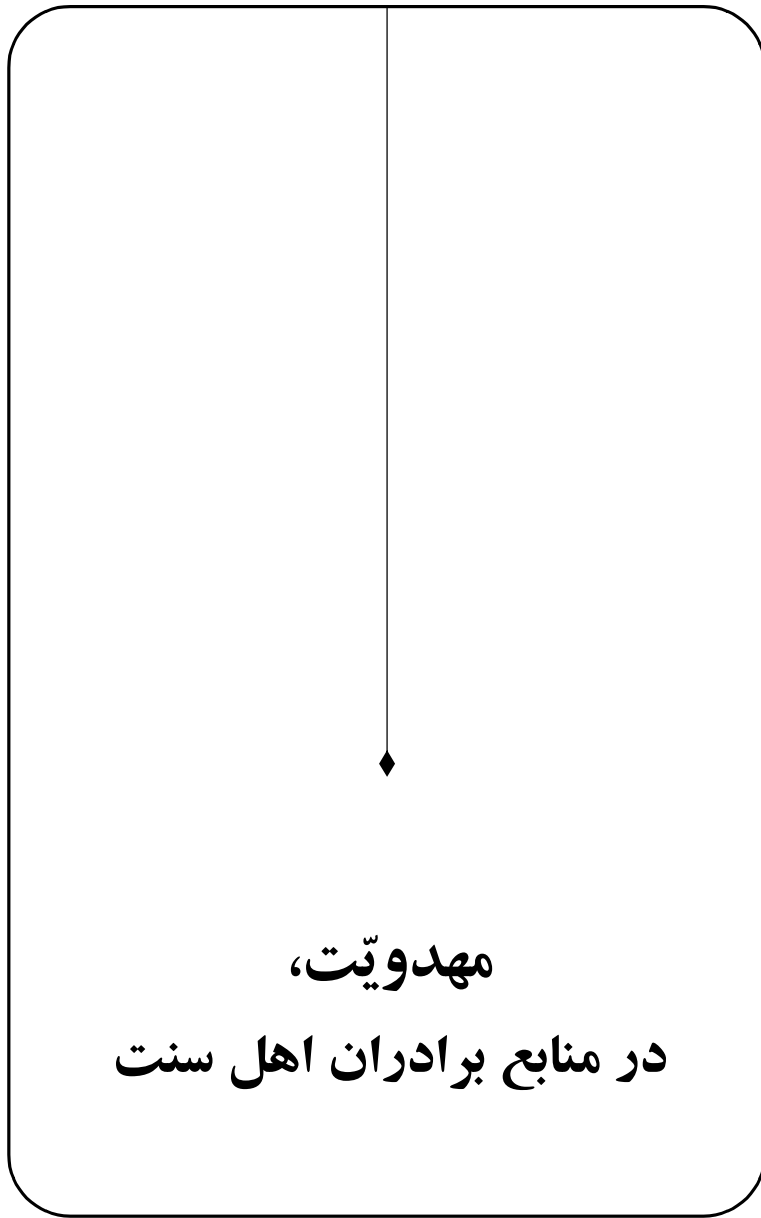


انجیل، میان اهل قرآن به قرآن و میان اهل هر
 نحلّه و ملتی به آئین خودش حکم خواهد کرد،
 چه اینکه: انجیل اصلی و تورات اصلی نزد
 اوست، اوست وارث همه انبیاء و اوصیاء و
 جهان آبستن فرزند مسیح و محمد، چه اینکه از
 مادر به آن یکی و از پدر به این یکی، هم خون
 است.

مژده ای دل که مسیحا نفسی می آید
 ز انفاس خوشش بوی کسی می آید
 از غم هجر مکن ناله و فریا که دوش
 زدهام فالی و فریادرسی می آید
 کس ندانست که منزلگه مقصود کجاست
 آنقدر هست که بانگ جرسی می آید

اللهم انا نرغب اليك في دولة كريمة، تعزّ بها الاسلام و
 اهله و تذلّ بها النفاق و اهله و تجعلنا فيها من الدّعاة
 الي طاعتك و القادة الي سبيلك و ترزقنا بها كرامة
 الدنيا و الاخرة (مفاتيح الجنان/ دعای افتتاح)





مهدویت،
در منابع برادران اهل سنت

خوشبختانه عقیده به حضرت مهدی (عج) خاص شیعیان نبوده که در منابع مختلف برادران اهل سنت و فوراً به این عقیده تصریح شده است. مثلاً:

دکتر حسین فریدونی در کتاب «امام مهدی آخرین پناه» چاپ سال ۱۴۰۰ ق. نشر انتشارات یاسر در صفحات ۵۵ تا ۵۸ کتاب مواردی از قول دانشمندان اهل سنت چنین نگاشته:

۱- سبط جوزی در «تذکره الخواص» چنین آورده

است:

«... (دوازدهمین امام و پیشوا) محمد بن الحسن ... علی بن بی طالب است و کنیه او ابو عبدالله و ابوالقاسم است و اوست آخرین بازمانده خدا و صاحب الزمان است و قائم و منتظر و آخرین ائمه ... و همان کسی است که رسول خدا فرمود: در آخر الزمان مردی از خاندان من خروج می‌کند که اسم او اسم من است و کنیه او کنیه من، زمین را از عدل و داد پر می‌کند، همانگونه که از جور و ظلم پر شده باشد. اوست مهدی موعود»



۲- شیخ محمد بن یوسف بن محمد گنجی شافعی در کتاب «کفایة الطالب فی مناقب علی ابن ابیطالب» در باب هشتم قسمت ملحقات بعد از ذکر ائمه از فرزندان امیر المؤمنین (ع) و بعد از ذکر و القاب حضرت حسن عسکری (ع) چنین می‌گوید:

«... و او فرزندش را جانشین خود قرار می‌دهد که همان امام منتظر باشد که صلوات خدا بر او باد.»

۳- عبدالوهاب شعرانی در کتاب «الیواقیت و الجواهر» بحث ۶۵ در باب اموری که قبل از قیامت کبری واقع می‌شود سخن می‌گوید و از جمله چنین بیان می‌دارد:

«از جمله اموری که باید قبل از قیامت اتفاق افتد خروج مهدی (ع) است که آن بزرگوار از فرزندان امام حسن عسکری است و تولد او شب نیمه شعبان سال ۲۵۵ می‌باشد و او باقی است تا با عیسی بن مریم جمع شود.»

۴- حافظ محمد بن محمد بخاری معروف به خواجه پارسا در کتاب «الخطاب» می‌گوید:

« و ابو محمد الحسن العسکری ولده م ح م د رضی الله عنهما معلوم عند خاصة اصحابه و ثقاته»



۵- شیخ سلیمان حنفی قندوزی در کتاب «ینابیع

المودة» صفحه ۴۵۲ چنین می نویسد:

«نزد افراد مورد اعتماد محقق و مسجّل است که

ولادت قائم(ع) در شب پانزدهم شعبان سال ۲۵۵

در شهر سامراء انجام پذیرفته است.»

۶- شیخ محمدبن ابراهیم حموینی شافعی در «فوائد

السبتین (الخطین)» از حضرت رضا(ع) آورده که:

«امام بعد از من فرزندم جواد التقی و پس از او

فرزندش علی النقی و پس از آن حسن العسکری و

پس از وی مهدی المنتظر است که اطاعت از او در

زمان غیبت نیز همچون زمان ظهور واجب است.»

۷- سید مؤمن بن حسن شبلنجی در کتاب «نور

الابصار» باب دوم، ص ۱۵۲ بیان داشته:

«در ذکر مناقب محمد بن الحسن بن ... علی بن

ابیطالب نام مادرش که ام الولد بود که بایشان

نرجس و صقیل و سوسن هم گفته می شد و

کنیه اش ابوالقاسم است و شیعه امامیه ایشان را

حجت و مهدی و قائم منتظر و صاحب الزمان لقب

داده اند که مشهورترین القاب ایشان مهدی است.»



- ۸- محمد بن شخنه حنفی در کتاب «روضه المناظر فی اخبار الاوائل و الاواخر» ج ۱، ص ۲۹۴ نگاشته:
- «و برای امام حسن عسکری (ع) فرزندی به دنیا آمد که دوازدهمین ائمه است که بدو مهدی و قائم و حجت و محمد گفته می شود و تولد او در سال ۲۵۵ اتفاق افتاده است.»
- آیت الله علامه سید مرتضی عسکری در کتاب «امامت و مهدویت در مکتب خلفاء»، فصل پنجم، ص ۱۰۴، چاپ سال ۱۳۸۴، از سوی بنیاد بعثت به نقل از منابع اصلی اهل سنت:
- الف: مستدرک حاکم نیشابوری، ج ۴، ص ۵۵۷ و ج ۳، ص ۱۰۱
- ب: مسند احمد حنبل، ج ۳، ص ۳۶
- ج: تفسیر جلال الدین سیوطی، ج ۶، ص ۵۸ و دیگر کتب از ابو سعید خدری آورده اند که حضرت رسول اکرم (ص) راجع به اینکه مهدی (عج) از اهل بیت است فرموده است:
- «قیامت برپا نگردد تا زمین از ظلم و ستم و دشمنی انباشته گردد، سپس فردی از اهل بیت قیام کند و



آن را از عدل و داد پر نماید، همانگونه که از ظلم و ستم انباشته شده بود.»

ایشان با حوصله‌مندی بسیار قابل وصف، موارد کثیری از نمونه‌های گفتاری بزرگین اهل سنت در رابطه با حضرت مهدی (عج) را به ترتیب زیر یادآور شده است:

۱- در سنن ابن ماجه، کتاب الفتن، حدیث ۴۰۸۵ و همچنان در ابواب فتن همان کتاب، باب خروج مهدی و نیز در مسند احمد حنبل، ج ۱، ص ۸۴ از علی (ع) آمده است که رسول خدا (ص) فرمود:

«مهدی از ما اهل بیت است و خداوند او را در یک شب آماده قیام می‌سازد.»

با این تفاوت که در تفسیر سیوطی، ج ۶، ص ۵۸، به روایت ابن ابی شیبیه آمده و کتاب حلیة الاولیاء، ج ۳، ص ۱۷۷ نیز متعرض است. و در ابواب جهاد همان کتاب (سنن ابن ماجه) از ابوهریره روایت شده که حضرت رسول خدا فرمود:

«اگر از دنیا جز یک روز باقی نباشد، خدای عزوجل آن روز را طولانی گرداند تا مردی از اهل بیت به



حکومت رسد و ارتفاعات دیلم و قسطنطنیه را در اختیار بگیرد.»

۲- ابو داود در «سنن»، ج ۶، ص ۱۳۶، و در صحیح، ج ۴، ص ۱۰۷، حدیث ۴۲۸۵، به طریق ابو سعید خدری از رسول اکرم (ص) آورده است که حضرت فرمود: «مهدی از ما اهل بیت است، کشیده بینی، فرازین چهره و پیشانی نورانی که زمین را از عدل و داد پر می‌کند همانگونه که از ظلم و ستم انبوهی پر شده بود.»

۳- ابو داود در «سنن»، ج ۷، ص ۱۳۴، و در «صحیح»، تحت عنوان المهدی، ج ۴، ص ۸۰۷، حدیث ۴۲۸۴ به طریق «ام سلمه» از رسول اکرم (ص) آورده است که حضرت فرمود:

«مهدی از عترت من است و از فرزندان فاطمه»

۴- ابن ماجه در «صحیح» ابواب الفتن، باب خروج مهدی می‌گوید:

«مهدی از فرزندان فاطمه است»

۵- حاکم در «مستدرک»، ج ۴، ص ۵۵۷ به این عبارت نیز آورده است:

«و او (مهدی) حق است و از اولاد فاطمه می‌باشد.»

۶- ذهبی در «الاعتدال»، ج ۲، ص ۲۴، می‌گوید:



«مهدی از اولاد فاطمه است.»

سیوطی در تفسیرش، ج ۶، ص ۵۸ ذیل آیاتی از
سوره محمد(ص) می‌گوید:

«این حدیث را ابو داود و طبرانی و حاکم از ام
سلمه روایت کرده‌اند.»

۷- کتاب کنز العمال، ج ۷، ص ۲۶۱، به طریق علی(ع)
نقل نموده از رسول خدا(ص) که حضرت فرمود:
«مهدی مردی از ماست از فرزندان فاطمه»

۸- ذخایر العقبی، ص ۱۳۶، بطریق ابو ایوب انصاری
از رسول خدا(ص) آورده است که حضرت فرمود:
«مهدی این امت از این دو (حسن و حسین علیه
السلام) زاده می‌شود.»

و در همان کتاب از طریق «حَدِیْفَه» نیز روایت شده
که حضرت فرمود:

«اگر از دنیا جز یک روز باقی نماند آن روز
طولانی گردد تا خداوند مردی از فرزندانم را که
همنام من است برانگیزد.»

سلمان گفت: از کدام فرزندانت یا رسول الله؟
فرمود: «از این فرزندم» و با دست خود بر
حسین(ع) زد.



۹- شیخ محی الدین ابو عبدالله محمد بن علی بن محمد معروف به حاتم طائی اندلسی شافعی مسلک متوفی ۶۳۸ هـ ق مدفون در صالحیه شام در کتاب فتوحات، باب ۳۳۶ نوشته است:

«بدانید که مهدی مسلماً قیام خواهد کرد ولی قیام او هنگامی است که زمین را ظلم و جور فرار گرفته باشد و او از قسط و عدل انباشته‌اش گرداند، اگر عمر دنیا تنها یک روز باقی ماند خداوند آن روز را طولانی گرداند تا این خلیفه به ولایت برسد. او از حضرت رسول(ص) است از فرزندان فاطمه، جدش حسین ابن علی ابن ابی طالب است و پدرش حسن عسکری فرزند امام علی نقی فرزند امام محمد تقی، فرزند امام علی ابن موسی الرضا، فرزند امام موسی کاظم، فرزند امام جعفر صادق، فرزند امام محمد باقر، فرزند امام زین العابدین، فرزند امام حسین، فرزند علی ابن ابیطالب رضی الله عنهم، همان رسول خداست و مسلمانان بین رکن و مقام با او بیعت می‌کنند. در خلقت و سیما شبیه رسول خداست و در خلق و خوی مادون آن حضرت، چون هیچ کس در اخلاق همتای رسول خدا(ص)



که خدای متعال فرماید: «و انک لعلی خلق عظیم»
 (قلم/۴) (به راستی که تو دارای اخلاق عظیمی
 هستی) پیشانی‌ش بلند و بینی‌اش عقابی است،
 بیشترین یارانش از اهل کوفه‌اند، بیت المال را به
 طور مساوی تقسیم می‌کند و با مردم عدالت
 می‌ورزد، چنانکه مردی می‌آید و می‌گوید: ای
 مهدی! عطایم بخش. و او از اموالی که فرا رویش
 قرار دارد جامه‌ی وی را تا آنجا که توان بردنش را
 دارد انباشته می‌کند.»

علامه می‌گوید: محی الدین برخی از اوصاف و
 افعال او را شمارش نموده و «ابن صبان» نیز در کتاب
 اسعاف الراغبین، باب ۲، ص ۱۳۱-۳۱۳ در حاشیه نور
 الابصار اشعاری از وصف حضرت مهدی (عج) آورده
 که فتوحات نیز در ج ۳، باب ۳۶۶، ص ۳۲۸ این اشعار را
 تذکر داده است که:

هو السید المهدی من آل احمد
 هو الصارم الهندی حین یبید
 هو الشمس یجلو کلّ غم و ظلمه
 هو الوابل الوسمی حین یجود



او همان سید و مهدی از آل احمد است
 او همان شمشیر هندی است که نابود می‌کند
 او همان خورشیدی است که هر اندوه و ظلمتی را برطرف
 می‌کند

او همان باران بهاری است که کریمانه فرو می‌ریزد.
 ۱۰- بخاری در صحیح، ج ۳، ص ۳۵۷، چاپ هند به
 طریق ابوهریره از رسول اکرم(ص) آورده است:
 «چگونه خواهید بود هنگامی که عیسی بن مریم در
 بین شما فرود آید و امام شما از خودتان باشد؟»
 همین گفته را ابن ماجه نیز در سنن، ج ۲، ص ۲۶۷، با
 عین عبارات آورده است.

۱۱- صاحب کتاب «الحاوی للفتاوی» ج ۲، ص ۱۶۷
 می‌نویسد که ابو داود و ابن ماجه با سند خود از «ابو
 امامه باهلی» روایت نموده که رسول اکرم(ص) درباره
 «دجال» ایراد سخن فرمود و آنچه او انجام می‌دهد
 آگاهمان ساخت تا آنجا که می‌گوید:

«و امام ایشان مرد صالح است، هنگامی که برای
 اقامه نماز صبح می‌رود تا عیسی بن مریم جلو



بیاید و با آنها نماز بگذارد که عیسی دست خود را
بین دو کتف می‌نهد و می‌گوید:

(پیش برو و نماز بگذار که آن برای تو اقامه شده)
و امام‌شان با آنها نماز می‌گذارد.»

۱۲- صاحب کتاب «الملاحم و الفتن» ج ۱، باب ۱۸۶،
ص ۵۴، از کتاب «فتن» ابونعیم و او از ابو امام باهلی
حدیث قریب به مضمون قبل را نقل نموده از رسول
خدا(ص) که فرمود:

«رسول خدا از دجال سخن راند» ام شریک گفت:
«یا رسول الله! پس مسلمانان در آنروز کجایند؟»
فرمود: «دجال در بیت المقدس خروج کرده و آنجا
را محاصره می‌کند و امام تکبیر گوید و وارد نماز
شود. عیسی بن مریم از آسمان فرود آید و
هنگامی که آن امام او را بشناسد، در حال نماز به
عقب رود تا عیسی جلو باید که عیسی دست خود
را بین دو کتف او نهاده می‌گوید: نماز بگذار که آن
برای تو اقامه شده و عیسی پشت سر او نماز
می‌گذارد.»

۱۳- صاحب کتاب «مشارق الانوار» ج ۲، ص ۳۲۲ شبیه

مطالب فوق را آورده که:



«عیسی در زمان او (امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف) بر مناره بیضای شرق دمشق در انتهای شب فرود آمده و مهدی بیاید و نزد او بماند و هنگام صبح مردم از او درخواست اقامه نماز کنند و او امتناع کرده و گوید: «امام شما از خود شما است و مهدی به دلیل کرامت این امت و پیامبرش بر عیسی پیشی می‌گیرد.»

۱۴- صاحب کتاب «تذکره خواص الامة» به نقل از رومی گوید:

«مهدی با عیسی ابن مریم گردهم آیند چون وقت نماز فرا رسد مهدی به عیسی گوید: «پیش برو» عیسی گوید: (تو بر این نماز سزاوارتری) و عیسی به او اقتداء می‌کند.»

۱۵- جلال الدین محمد بلخی رومی معروف به مولوی طبق نقل از صاحب «ینابیع المودة» ص ۴۷۳ ابیات زیر را درباره اهل بیت(ع) از جمله مهدی منتظر سروده است:

ای سرور مردان علی مستان سلامت می‌کند
ای صفر مردان علی مستان سلامت می‌کند



با قاتل کفار گو با دین و دین‌دار گو
 با حیدر کرار گو مستان سلامت می‌کند
 با درج دو گوهر بگو با برج دو اختر بگو
 با شبر و شبیر بگو مستان سلامت می‌کند
 با زین دین عابد بگو با نور دین باقر بگو
 با جعفر صادق بگو مستان سلامت می‌کند
 با موسی کاظم بگو با طوسی عالم بگو
 با تقی قائم بگو مستان سلامت می‌کند
 با میر دین هادی بگو با عسکری مهدی بگو
 با آن ولی مهدی بگو مستان سلامت می‌کند
 با باد نوروزی بگو با بخت فیروزی بگو
 با شمس تبریزی بگو مستان سلامت می‌کند



۱۶- شیخ کامل صلاح الدین صفدی در کتاب «شرح

الدائرة» می‌نویسد:

«مهدی موعود همان امام دوازدهم از ائمه است که
 اولین آنها آقای ما علی و آخرین آنها مهدی -
 رضی الله عنهم و نفعنا الله بهم باشد.»

۱۷- شیخ ابو عبدالله اسعد بن علی بن سلیمان عفیف
الدین یافعی یمنی مکی شافعی در کتاب «مرآة الجنان»
چاپ حیدر آباد، ج ۲، ص ۱۰۷ و ۱۷۲ نشر سال ۱۳۸۲
هـ. می نویسد:

«در سال ۱۲۶۰ هجری شریف عسکری ابو محمد
حسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی الرضا
بن جعفر صادق یکی از ائمه دوازده گانه به اعتقاد
شیعه امامیه وفات کرد او پدر [امام] منتظر
صاحب سرداب است که به عسکری شناخته
می شود و پدرش نیز بدین نام شناخته می شد،
اودر روز جمعه ششم ربیع الاول وفات کرد -
برخی هشتم ربیع و برخی روز دیگری از این سال
را گفته اند و در کنار قبر پدرش در سرّ من رأی
(سامرا) مدفون گردید.»

۱۸- علامه سید علی بن شهاب الدین شافعی در کتاب
«مودة القربی فی المودة العاشرة» احادیث بسیاری در
اثبات وجود امام مهدی (ع) و اینکه در آخر الزمان
ظهور می کند و زمین را از عدل انباشته می سازد
همانگونه که از ظلم پر شده است روایت کرده.



۱۹- شمس الدین ابو عبدالله محمد بن احمد ذهبی شافعی در کتاب «دُول الاسلام» می‌نویسد:

«امام مهدی(ع) از فرزندان امام حسن عسکری است او زنده می‌ماند تا آنگاه که خدا اجازه قیامش دهد و زمین را از قسط و عدل پر کند، همانگونه که از ظلم و جور انباشته شده است.»

۲۰- شیخ جمال الدین احمد بن حسین بن علی بن مهنا در کتاب «عمدة الطالب» چاپ نجف سال ۱۳۲۳ هـ. ص ۱۸۸ - ۱۸۶ می‌گوید:

«امام علی الهادی که به دلیل سکونت در پادگان سرّ من رأی لقب عسکری یافته، مادرش ام ولد در نهایت فضل و نکاوت بود. متوکل او را به سر من رأی برد و در آن جا بود تا مسموم شد و شهید گردید. دارای دو فرزند بود، یکی از آن دو امام محمد مهدی(ع) دوازدهمین امام از ائمه شیعه امامیه است. و او همان قائم منتظر در نزد آنها است که از ام ولد بنام نرجس به دنیا آمد.»

۲۱- شیخ شهاب الدین دولت آبادی صاحب تألیفات عدیده در تفسیر و مناقب است، از جمله آنها، کتاب «هدایة السعداء» است که در آن احادیثی را درباره امام



حجت منتظر فرزند امام حسن عسکری آورده و یادآور شده است که آن حضرت از نظرها غایب و دارای عمر طولانی است، همانگونه که دیگر مؤمنان چون عیسی و الیاس و خضر عمر طولانی دارند و از کفّار نیز دجال و شیطان و سامری.

۲۲- شیخ علی بن محمد بن احمد مالکی مکی - معروف به ابن صباغ در کتاب خود بنام «الفصول المهمة» باب دوازدهم، ص ۲۷۳ و ۲۷۴ زندگانی امام مهدی را یادآور شده و با ذکر تاریخ ولادت و این که نام مادرش نرجس بود می نویسد:

«ابوالقاسم محمد الحجه بن الحسن الخالصی در سرّ من رأی در نیمه شب پانزدهم شعبان ۲۵۵ هجری بدنیا آمد و نسب او از حیث پدر و مادر چنین است: ابوالقاسم محمد الحجه بن الحسن الخالصی بن علی الهادی بن محمد الجواد بن علی الرضا بن موسی الكاظم بن جعفر الصادق بن محمد الباقر بن علی (زین العابدین) بن الحسین بن علی بن ابیطالب(ع) و مادرش ام ولدی به نام نرجس بهترین کنیزان بود و گفته شده نام دیگری داشت، اما کنیه او ابوالقاسم و لقبش حجت، مهدی،



خلف صالح، قائم منتظر و صاحب الزمان است و مشهورترین آنها مهدی است، صفت آنحضرت چنین است که: جوان میان بالا و خوش سیماست با موهای تا شانه آویخته و با بینی عقابی و پیشانی بلند و نورانی، کارگزار او محمد بن عثمان است و معاصرش معتمد عباسی.»

وی نیز گوید:

«حافظ ابو نعیم چهل حدیث ویژه درباره مهدی (ع) گردآوری کرده است.»

و نیز گوید:

«شیخ ابو عبدالله محمد بن یوسف گنجی شافعی کتاب خود (البیان فی اخبار صاحب الزمان) را درباره امام مهدی تألیف کرده است.»

و نیز گوید:

«از جمله علمائی که به جمع شرح احوال آن حضرت پرداخته شیخ جمال الدین ابو عبدالله محمد بن ابراهیم مشهور به نعمانی است که کتاب خود را درباره غیبت و طول غیبت تصنیف کرده است.»

۲۳- شیخ نور الدین عبدالرحمن بن احمد بن قوام الدین معروف به جامی شافعی در کتاب «شواهد



النبوة» از امام مهدی موعود منتظر حجت بن الحسن امام دوازدهم(ع) سخن گفته و بسیاری از حالات و کرامات ایشان را بیان داشته است و می‌نویسد:
 «او کسی است که زمین را از قسط و عدل پر می‌کند.»
 جامی همچنان به ذکر برخی از کسانی که امام مهدی(ع) را دیده‌اند پرداخته و از کسی یاد می‌کند که از امام حسن عسکری دربارهٔ جانشین پس از او می‌پرسید و می‌گوید:

«امام وارد خانه شد و بیرون آمد و کودک سه ساله‌ای را که چون ماه شب چهاردهم بود با خود آورد و به پرسشش کننده فرمود: اگر ارزش خدایات نبود این فرزند را که نامش نام رسول الله(ص) و کنیه‌اش کنیهٔ آن حضرت است به تو نشان نمی‌دادم! او کسی است که زمین را از عدل و داد پر می‌کند همانگونه که از ظلم و ستم پر شده است.»

و هم چنان داستان کسی را نقل می‌کند که: نزد امام حسن عسکری(ع) رفته و از جانشین پس از او می‌پرسد امام به او می‌گوید:



«پرده را کنار بزن، او هم کنار می‌زند. امام مهدی
منتظر را می‌بیند.

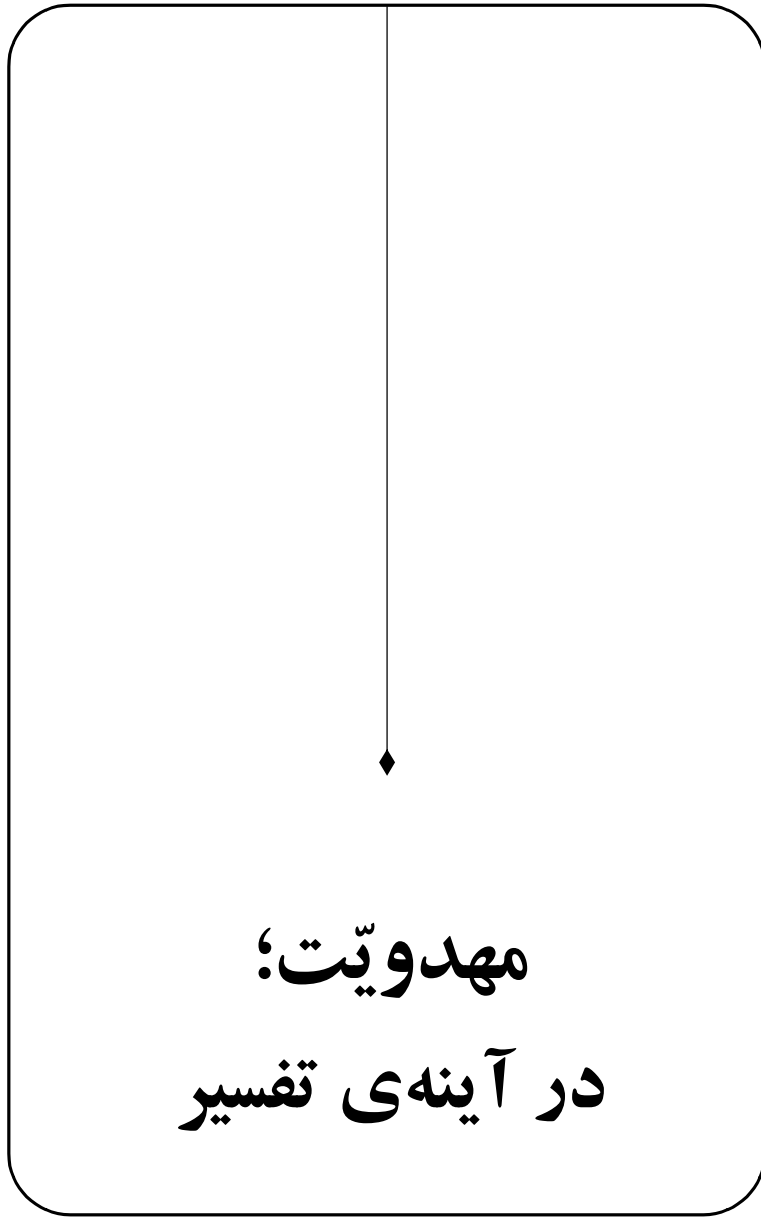
۲۴- شهاب الدین احمد بن حجر هیثمی شافعی مکی در
کتاب «الصواعق المحرقة» طبع مصر، سال ۱۳۰۸ هـ.
ص ۱۲۷ می‌گوید:

«او [امام حسن عسکری] جز یک فرزند بر جای
ننهاد و او ابوالقاسم حجّت بود و عمرش به هنگام
وفات پدرش پنج سال بود که خداوند حکمتش عطا
فرمود.»

۲۵- شیخ عبدالله بن محمد عامر شبرای شافعی در
کتاب «الاتحاف بحبّ الاشراف» چاپ مصر، سال ۱۳۱۶
هـ. ص ۱۷۸ می‌نویسد:

«در شرافت او [امام حسن عسکری(ع)] همان بس
که امام مهدی منتظر فرزند اوست ...»





مهدویت؛
در آینه‌ی تفسیر



در این مقاله به تفسیر روایی می‌پردازیم و در تفسیر روایی مطالب بسیار بکر و بدیع به نظر می‌رسد که برای خواننده طعم و بوی تازه‌ای دارد و جوهراً فرق میشود با تفسیر عقلی و علمی و باید هم فرق شود برای اینکه معصوم علیه السلام به تأویلات و رموز و اشاران قرآن آشنایی دارد، زیرا: حَمَلَه‌ی قرآن و راسخون در علم‌اند و تفاسیر عقلی و علمی فقط می‌توانند از عبارات قرآن و معانی ظاهری کتاب سر در آورده، ولی راه به بطون و لطایف و اشارات و رموز قرآنی ندارد بناءً معصومین علیهم السلام چیزی می‌فهمند که ما نمی‌فهمیم، اینک تفسیر آیات را از زبان معصومین علیهم السلام می‌خوانیم و چهره مهدی (عج) و مهدویت را در آئینه‌ی قرآن، تماشا می‌کنیم، مواردی را می‌شماریم:

یکم:

در سوره‌ی مبارکه فجر می‌خوانیم:

«والفجر، و لیل عشر، و الشفع و الوتر، و اللیل اذا

یسر» (فجر/۴-۱)

ترجمه:

«سوگند به سپیده دم، و به شبهای دهگانه، و جفت

و تاق، و به شب وقتی سپری میشود.»

امام صادق علیه السلام در ذیل این آیات مبارکات

این طور فرمایش نموده: «فجر» همان قائم(عج) است.

«لیال عشر» امامان از حسن [مجتبی] تا حسن [

عسکری] هستند، و «الشفع» امیر المؤمنین و فاطمه

علیهما سلام می‌باشند و «الوتر» همان خداوند

یکتاست که هیچ شریک ندارد و «اللیل اذا یسر»

منظور دولت جبر است که سرایت می‌کند تا دولت

قائم(عج) منتهی می‌گردد. (تأویل الآیات الظاهره،

ص ۷۹۲)

دوم:

در سوره‌ی مبارکه لیل می‌خوانیم:

« و اللیل اذا یغشی، و النهار اذا تجلی» (لیل/۲-۱)



ترجمه:

«سوگند به شب چون پرده افکند، و روز چون آشکار شود.»

امام محمد باقر علیه السلام در بیان تأویل آیه دوم می‌فرماید: روز همان قائم از ما اهل البيت عليهم السلام است که هرگاه بپاخیز دولت او به باطل غلبه کند و در قرآن مثلهایی برای مردم آورده شده، خداوند آنرا به پیغمبر و ما خطاب فرموده که جز ما کسی آنرا نمی‌داند. (تفسیر قمی، ج ۲، ص ۴۲۵)

سوم:

در سوره مبارکه‌ی قدر می‌خوانیم:
«سلام هی حتی مطلع الفجر» (قدر/۵)

ترجمه:

« [آن شب] تا دم صبح، صلح و سلام است.»

یکی از اصحاب امام صادق علیه السلام از وی می‌پرسد، که آیا آنچه در شب قدر ممتاز و پراکنده میشود همان اموری است که خدای سبحان در آن تقدیر می‌نماید؟ امام در جواب فرمودند:



قدرت خداوند توصیف نمی‌شود، زیرا: که فرموده؛
 در آن شب هر امر با حکمت ممتاز و جدا میشود، پس
 چگونه امری با حکمت خواهد بود مگر آنچه را که
 اوممتاز ساخته؟ و قدرت خداوند سبحان وصف ناپذیر
 است، زیرا که او آنچه را بخواهد پدید می‌آورد و اینکه
 فرموده: «از هزار ماه بهتر است.» یعنی حضرت فاطمه
 سلام الله علیها و اینکه خدای تعالی فرموده: «فرشتگان
 و روح در آن شب فرود می‌آیند.» فرشتگان و روح
 مؤمنانی هستند که علم آل محمد صلوات الله علیهم را
 دارند و «روح» روح القدس است و آن فاطمه سلام الله
 علیها می‌باشد. «از هر امری سلام و رحمت است.»
 یعنی: هر امری که تسلیم کننده‌اش آن را تسلیم کند،
 تا طلوع سپیده دم.» یعنی: تا وقتی که قائم (عج) قیام
 کند. (تأویل الآیات الظاهره، ص ۸۱۸)

چهارم:

در سوره‌ی مبارکه شمس می‌خوانیم:

« و الشمس و ضحاها، و القمر اذا تلیها، و النهار اذا

جلاها، و اللیل اذا یغشاها ... » (شمس/ ۴-۱)

ترجمه:



« سوگند به خورشید و تابندگی اش، سوگند به مه
 چون پی [خورشید] رود، سوگند به روز چون
 روشن گرداند، سوگند به شب چون پرده بر آن
 پوشد.»

امام صادق علیه السلام فرمود: «سوگند به
 خورشید و هنگام اوج درخشندگی اش» شمس: امیر
 المؤمنین علیه السلام است و «هنگام اوج
 درخشندگی اش»: قیام حضرت قائم (عج) است، زیرا: که
 خدای سبحان فرموده: و اینکه مردم هنگام اوج
 درخشندگی اش جمع شوند، « و سوگند به ماه که در
 پی آن تابانند» حسن و حسین علیهما سلام اند. « و
 سوگند به روز که تاریکی را می زداید.» قیام حضرت
 قائم (عج) است. « و سوگند به شب، آنگاهی که عالم را
 در پرده سیاهی برکشد.» جبر و دولت اوست و این در
 حالی است که حق او را خواهد پوشاند، « و سوگند به
 آسمان بلند و آنکه این کاخ رفیع را بنا نهاد.» او
 حضرت محمد صلی الله علیه و آله است، اوست
 آسمان، که خلایق در علم و دانش به سوی او بالا
 می روند، « و سوگند به زمین و آنکه او را گستراند.»



ارض شیعه است، « و سوگند به نفس و آنکه او را مستقیم بیافرید.» او مؤمن است که آفرینش معتدلی دارد [که پنهان است و بر حق] « و او شر و خیر را الهام نمود.»

حق را از باطل به او شناساند، « و سوگند به نفس و آنکه او را مستقیم بیافرید به راستی هر که آنرا پاک دارد، رستگار است» نفسی که خدا آنرا پاکیزه گرداند البته رستگار شده و هر که را به پلیدی انداخت زیانکار گشته است، و اینکه فرموده: « قوم ثمود از روی سرکشی [حقایق وحی را] تکذیب کردند» ثمود گروهی از شیعه است که خداوند سبحان فرماید: « و اما قوم ثمود را هدایت کردیم، پس آنان کوری و گمراهی را بر هدایت برگزیدند، پس صاعقه عذاب، خواری آنان را فرا گرفت.» و این عقوبت شمشیر است هرگاه حضرت قائم (عج) بپا خیزد. و اینکه فرموده: « پس رسول خدا، به آنان فرموده [او پیغمبر اکرم است] این ناقه‌ی خداوند است و آبشخور آن.» ناقه امام است که از سوی خداوند فهمانیده و آبشخور آن علمی است که نزد اوست، « پس او را تکذیب کردند و ناقه را



پی نمودند که خداوند هم به کیفر گناهشان هلاکشان ساخت.» [این] در رجعت است، « از پایان کار بیم ندارند.» یعنی از مانند آن چنانچه بازگردد، ترسی ندارند. (تأویل الآيات الظاهرة، ص ۸۰۳)

پنجم:

در سوره‌ی مبارکه تکویر می‌خوانیم:

« فلا اقسم بالخنس، الجوار الكنس » (تکویر/۱۶-۱۵)

ترجمه:

« نه، نه! سوگند به اختران گردان، [کز دیده] نهان

شوند و از نو آیند.»

امام محمد باقر علیه السلام در پرسشی که از آن حضرت صورت گرفت، فرمودند: «خنس» امامی که در زمان خودش هنگامی که مردم از آن بی‌اطلاع می‌شوند، سال ۲۶۰ پنهان می‌شود، سپس همچون ستاره مانند [تابان] در تاریکی شب آشکار می‌گردد، اگر آن دوران را درک کنی، دیده‌ات روشن می‌شود. (کافی، ج ۱، ص ۳۴۱)

ششم:

در سوره‌ی مبارکه مُلک، می‌خوانیم:



« قل ان اصبح ماؤکم غوراً فمن یأتیکم بماءٍ

معین» (ملک/۳۰)

ترجمه:

«بگو به من خبر دهید اگر آب [آشامیدنی] شما به زمین فرو رود، چه کسی آب روان را برای تان خواهد آورد؟»

حضرت امام موسی بن جعفر علیه السلام درباره‌ی تأویل این آیه میفرماید: یعنی هرگاه امام تان را نیابید و او را نبینید، چه خواهید کرد. (کمال الدین / صدوق ره، ج ۲، ص ۲۶۰)

هفتم:

در سوره‌ی مبارکه صف، می‌خوانیم:

« یریدون لیطفئوا نور الله بافواهم و الله متمّ نوره و

لو کره الکافرون» (صف/۸)

ترجمه:

« می‌خواهند نور خدا را با دهان خاموش کنند و حال آنکه خدا - گرچه کافران را ناخوش افتد - نور خود را کامل خواهد گردانید.»



امام موسی بن جعفر علیه السلام ذیل این آیه فرمودند: می‌خواهند ولایت امیر المؤمنین علیه السلام را با پف دهان‌شان خاموش نمایند، راوی عرض می‌کند: و خداوند تمام کننده نور خود است. فرمودند: خداوند تمام کننده امامت است، به دلیل فرموده خدای عزوجل «آنانکه به خدا و رسول او و نوری که نازل ساختیم ایمان آورند» پس نور، همان امام است. راوی عرض می‌نماید: «اوست خدایی که رسولش را به هدایت و دین حق فرستاد» امام در جواب فرمودند: یعنی اوست خدایی که رسول خویش را به ولایت و وصیش امر فرمود، ولایت همان دین حق است، گفتم: تا بر همه دین غالب گرداند فرمودند: یعنی هنگام قیام حضرت قائم علیه السلام آن را بر تمامی ادیان غالب سازد، خداوند می‌فرماید: «و خداوند تمام کننده نور خود است.» یعنی ولایت قائم (عج) را به مرحله تمام می‌رساند و هرچند کافران را خوش نیاید، راوی عرضه می‌دارد این تنزیل است؟! فرمودند: آری، این حرف تنزیل است و اما غیر آن تأویل می‌باشد. (کافی، ج ۱، ص ۴۳۲)



هشتم:

در سوره‌ی مبارکه رحمن، می‌خوانیم:

«يُعرف المجرمون بسيماهم فيؤخذ بالنواصي و
الاقدام» (رحمن/ ٤١)

ترجمه:

«تبهکاران از سیمایشان شناخته می‌شوند و از
پیشانی و پایشان اخذ میشود.»

امام جعفر صادق علیه السلام در ذیل آیه
می‌فرماید: خداوند آنها را می‌شناسد ولی این آیه
درباره قائم (عج) نازل شده است و اوست که آنها را به
چهره‌هایشان می‌شناسد، پس او و اصحابش، آنها را از
دم شمشیر می‌گذرانند. (الغیبه / نعمانی، ص ۱۲۷)

نهم:

در سوره‌ی مبارکه زخرف، می‌خوانیم:

«هل ينظرون الا الساعة ان تأتيهم بغتة و هم لا يشعرون» (زخرف/ ٦٦)

ترجمه:

«آیا جز [این] انتظار می‌برند که رستاخیز - در
حالی که حدس نمی‌زنند - ناگهان بر آنان در
رسد؟»



امام محمد باقر علیه السلام در ذیل این آیه فرموده است:
 «آن ساعت حضرت قائم علیه السلام است که بناگاه [خبر
 ظهور و قیامش] به آنان می‌رسد.» (تأویل الآیات الظاهره،
 ص ۵۷۱)

دهم:

در سوره‌ی مبارکه زمر می‌خوانیم:
 «و اشرققت الارض بنور ربّها» (زمر/۶۹)

ترجمه:

«و زمین بنور پروردگارش روشن گردد.»

امام جعفر صادق علیه السلام در ذیل این آیه
 می‌فرماید: «پروردگار زمین» یعنی امام زمین، سائل
 عرض می‌کند: هرگاه ظهور کند چه می‌شود؟ امام
 فرمودند: در آن صورت مردم از نور آفتاب و نور ماه
 بی‌نیاز می‌شوند و به نور امام اکتفاء می‌کنند. (تفسیر
 قمی، ج ۲، ص ۲۵۳)

یازدهم:

در سوره‌ی صافات می‌خوانیم:
 «و انّ من شیعته لابراهیم» (صافات/۸۳)



ترجمه:

« و بی‌گمان ابراهیم از پیروان اوست.»

جابر بن یزید جُعی از امام جعفر صادق علیه السلام راجع به تفسیر این آیه پرسید، آنحضرت فرمودند: همانا خداوند سبحان هنگامی که ابراهیم را آفرید، پرده از روی چشمش برگرفت، ابراهیم نگاه کرد و نوری در کنار عرش مشاهده کرد، عرضه داشت: الهای این نور چیست؟ به او گفته شد؛ این نور محمد صلی الله علیه و آله برگزیده‌ای از خلق من است و نوری هم در کنار آن نور دید، پرسید: خدایا این نور چیست؟ به او گفته شد: این نور علی ابن ابیطالب علیه السلام یاور دین من است، در کنار آن دو، سه نور دیگر دید، پرسید: خدایا، این نورها چیستند، به او گفته شد: این [نور] فاطمه سلام الله علیها است - که دوستانش را از آتش بازداشته و جدا کرد - و نور دو پسرش حسن و حسین است. آنگاه ابراهیم گفت: بار الهایا، نُه نور هم می‌بینم که پیرامون آنان را گرفته‌اند؟ گفته شد: ای ابراهیم اینان امامان از فرزندان علی و فاطمه هستند.



ابراهیم عرضه داشت: بار خدایا! به حق این پنج تن تو را سوگند می‌دهم که به من بشناسانی آن نه تن کیانند؟ خداوند فرمودند: ای ابراهیم اولین آنها علی بن الحسین است و پسرش محمد و پسرش جعفر و پسرش موسی و پسرش علی و پسرش محمد و پسرش علی و پسرش حسن و حجت قائم پسر اوست. پس ابراهیم علیه السلام گفت: ای خدا و سید من، نورهای را می‌بینم پیرامونشان حلقه زده‌اند که شماره آنها را جز تو کسی نمی‌داند؟ گفته شد: ای ابراهیم! اینان شیعیان امیر المؤمنین علی ابن ابیطالب علیه السلام اند، ابراهیم گفت: به چه نشانه‌هایی شیعیان او شناخته می‌شوند: [خداوند فرمودند]: به خواندن پنجاه و یک رکعت نماز و بلند خواندن بسم الله الرحمن الرحیم و قنوت گرفتن پیش از رکوع و انگشتر به دست راست کردن، در این هنگام ابراهیم گفت: بار خدایا مرا از شیعیان امیر المؤمنین قرار ده، امام صادق علیه السلام فرمودند: پس خداوند این را در کتاب خود خیر داد که فرمودند: «و به راستی که از جمله شیعیان او ابراهیم است.» (تأویل الآیات الظاهره، ص ۴۹۶)



دوازدهم:

در سوره‌ی سبأ می‌خوانیم:

« و جعلنا بينهم و بین القرى التى بارکنا فیها قرىً ظاهرةً و
قدّرنا فیها السیر سیروا فیها لیالی و ایاماً آمین» (سبأ/۱۸)

ترجمه:

« و میان آنان و میان آبادانی‌هایی که در آنها
برکت نهاده بودیم، شهرهای متصل بهم قرار داده
و در میان آنها مسافت را به اندازه، مقرر داشته
بودیم، در این [راه‌ها] شبان و روزان آسوده
خاطر بگردید.»

امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه، به یکی از
اصحاب خود فرمودند: ای ابوبکر در میان آنها در
شبها و روزهای با ایمنی مسافرت نمایند با قائم ما
اهل البیت علیهم السلام. (الغیبه / شیخ طوسی ره،
ص ۲۰۹)

سیزدهم:

در سوره‌ی سجده می‌خوانیم:

« قل یوم الفتح لاینفع الذین کفروا ایمانهم و لاهم
ینظرون» (سجده/۲۹)



ترجمه:

« بگو؛ روز پیروزی، ایمان کسانی که کافر شده‌اند

سودی نمی‌بخشد و آنان مهلت نمی‌یابند.»

امام جعفر صادق علیه السلام در ذیل این آیه

می‌فرماید: روز پیروزی روزی است که دنیا بر روی

حضرت قائم (عج) گشوده می‌شود، کسی که پیش از آن

هنگام مؤمن نبوده و بعد از این فتح یقین کند، ایمانش

نفعی به جانش نخواهد داشت، ولی هر که پیش از آن

ایمان داشته و منتظر ظهورش بوده ایمانش برایش

سودمند خواهد افتاد و خداوند مقام و شأنش را نزد

امام قائم علیه السلام بزرگ خواهد ساخت و روز

قیامت و رستاخیر و بهشتش را برایش زینت خواهد

کرد و آتشش را از وی محجوب خواهد فرمود و این

است پاداش دوستان اهل بیت و ولایت امیرالمؤمنین و

ذریه پاک آن حضرت علیه السلام. (تأویل الآیات

الظاهره، ص ۴۴۵)

چهاردهم:

در سوره‌ی حج می‌خوانیم:



« الذين ان مكّناهم فى الارض اقاموا الصلاة و آتوا الزكوة و امروا
 بالمعروف و نهوا عن المنكر و لله عاقبة الامور» (حج/۴۱)

ترجمه:

« همان کسانی که چون در زمین به آنان توانایی
 دهیم، نماز به پا می‌دارند و زکات می‌دهند و به
 کارهای پسندیده و امی‌دارند و از کارهای ناپسند
 باز می‌دارند و فرجام همه کارها از آن خداست.»
 امام محمد باقر علیه السلام در تفسیر این آیه
 می‌فرماید: « این [آیه] تا آخر برای آل محمد صلی الله
 علیه و آله و سلم است و خداوند حضرت مهدی و
 اصحابش را مالک و مسلط بر مشارق و مغارب زمین
 خواهد ساخت و دین را آشکار و غالب خواهد فرمود،
 و خداوند به او و به [دست] اصحابش بدعتها و
 باطل‌ها را از بین خواهد برد، همچنانکه حق را میرانده
 باشند، تا جایی که اثری از ظلم دیده نشود و امر به
 معروف و نهی از منکر نمایند. (تفسیر قمی، ج ۲، ص ۸۷)

پانزدهم:

در سوره‌ی نحل می‌خوانیم:



« اتی امر الله فلا تستعجلوه سبحانه و تعالی عما
یشرکون» (نحل/۱)

ترجمه:

« [هان] امر خدا در رسید، پس در آن شتاب
مکنید، او منزّه و فراتر است از آنچه [با وی]
شریک می‌سازند.»

امام صادق علیه السلام در ذیل این آیه می‌فرماید:
نخستین کسی که با قائم علیه السلام بیعت می‌کند،
جبرئیل است که به صورت پرنده سفیدی نازل می‌شود
و با آن حضرت بیعت می‌نماید. سپس یک پای بر بیت
الله الحرام و پای دیگر بر بیت المقدس می‌گذارد، آنگاه
با صدای فصیح و بلیغی که همه خلایق می‌شنوند فریاد
خواهد زد: امر الهی آمد پس آن را زود بشمارید.
(کمال الدین / صدوق ره، ص ۶۷۱)

شانزدهم:

در سوره‌ی هود می‌خوانیم:

« بقیت الله خیر لکم ان کنتم مؤمنین» (هود/۸۶)



ترجمه:

« باقیمانده (یادگار) خداوند برای شما بهتر است،
اگر که ایمان آورده باشید.»

به امام باقر علیه السلام عرض شد: آیا به قائم علیه
السلام با عنوان امیرالمؤمنین سلام کنم؟ حضرت
فرمودند: نه، این نام را خداوند بر امیرالمؤمنین قرار
داده و هیچ کس - چه قبل از ایشان و چه بعد از
آنحضرت - به این نام خوانده نمی‌شود، مگر اینکه کافر
باشد، به حضرت عرض شد، چگونه به ایشان سلام
کنم؟ فرمودند: بگوئید سلام علیک یا بقیة الله و سپس
آیه فوق را تلاوت فرمودند. (الصراط المستقیم /
بیاضی، ج ۳، ص ۲۳۲ - ۳۲۱)

هفدهم:

در سوره‌ی حجر می‌خوانیم:

« قال ربّ فانظرنی الی یوم یُبْعَثون، قال فانّک من
المنظرین، الی یوم الوقت المعلوم» (حجر/۳۸-۳۹)



ترجمه:

«گفت: پروردگارا! پس مرا تا روزی که برانگیخته خواهد شد مهلت ده، فرمودند؛ تو از مهلت یافتگانی تا روز وقت معلوم.»

از امام صادق علیه السلام درباره‌ی روز معلومی که شیطان ضمن این آیات از خداوند متعال مهلت می‌طلبد پرسیدند، حضرت جواب دادند: وقت معلوم روز قیام قائم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم است، هرگاه خداوند او را برانگیزد در مسجد کوفه که ابلیس می‌آید - در حالی که بر زانوهایش راه می‌رود - و می‌گوید ای وای از این روزگار، آنگاه از پیشانیش گرفته شده گردنش را می‌زنند، آنهنگام روز وقت معلوم است که مدت او به پایان می‌رسد. (دلایل الامامه / طبری، ص ۲۴۰)

هجدهم:

در سوره‌ی اعراف می‌خوانیم:

«و من قوم موسی امة یهدون بالحق و به

یعدلون» (اعراف/۱۵۹)



ترجمه:

« و از میان قوم موسی جماعتی هستند که بحق راهنمایی می‌کنند و بحق دلسوزی می‌نمایند.»
 امام صادق علیه السلام در ذیل این آیه می‌فرماید:
 «هرگاه قائم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم بپا خیزد، از پشت کعبه بیست و هفت مرد را بیرون می‌آورد، پانزده تن از قوم موسی آنانی که به حق قضاوت نموده و به آنان باز می‌گردند و هفت تن دیگر از اصحاب کهف و یوشع وصی حضرت موسی و مومن آل فرعون و سلمان فارسی و ابودجانه انصاری و مالک اشتر. (تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۳۲)

نوزدهم:

در سوره‌ی زاریات می‌خوانیم:
 « فَوَرَبِّ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ إِنَّهُ لِحَقٌّ مِّثْلَ مَا أَنْكُمْ تَنْطِقُونَ » (زاریات/۲۳)

ترجمه:

« پس سوگند به پروردگار آسمان و زمین که واقعاً او حق است، همانگونه که خود شما سخن می‌گوئید.»



امام سجاد علیه السلام در ذیل این آیه می‌فرماید:
 «اینکه [خداوند] فرموده: « دین حق است » قیام
 حضرت قائم(عج) است و در همان مورد این آیه نازل
 شد؛ «خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و عمل
 صالح انجام دهنده‌اند وعده فرموده که [در ظهور
 امام(عج)] در زمین خلافت دهد - چنانکه امم صالح
 پیامبران گذشته را جانشین پیشینیان خود ساخت - و
 دین پسندیده آنان را بر همه جا مسلط و نافذ گرداند و
 بر همه‌ی مؤمنان پس از ترس و هراس از دشمنان،
 ایمنی کامل عطا فرماید.» (تأویل الآیات الظاهره،
 ص ۶۱۵)

بیستم:

در سوره‌ی جاثیه می‌خوانیم:

« قُلْ لِلَّذِينَ آمَنُوا يَغْفِرُوا لِلَّذِينَ لَا يَرْجُونَ أَيَّامَ اللَّهِ
 لِيَجْزِيَ قَوْمًا بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (جاثیه/۱۴)

ترجمه:

«به کسانی که ایمان آورده‌اند بگو تا از کسانی که
 به روزهای [پیروزی] خدا امید ندارند، درگذرند،



تا [خدا هر] گروهی را به [سبب] آنچه مرتکب
می‌شده‌اند، به مجازات رساند.»

از حضرت امام صادق علیه السلام ذیل این آیه
روایت شده است که فرمود: روزهایی که مورد امید و
آرزو هستند سه روز می‌باشد: روز قیام حضرت قائم
علیه السلام و روز رجعت و روز قیامت.» (تأویل الآیات
الظاهره، ص ۵۷۶)

اللّٰهُمَّ عَجِّلْ لَوْلِيكَ الْفَرَجَ وَ اجْعَلْنَا مِنْ اَعْوَانِهِ وَ
انصاره بجاه محمدٍ و آله الطاهرين





سیمای مهدی (عج)
و تصویر حکومتش



در دنیا معمول است که از نوابغ جهان و یا مخترعان و مکتشفان و گاهاً از رؤسای جمهور که با رأی بالا و بدون تقلب پیروز میشوند و یا در دوره ریاست جمهوری شان کارنامه ماندگار و یا دور از انتظار جامعه اش در جهت بهبود حال جامعه و کشورش از خود باقی می گذارند. خبرنگاران به سراغ ثبت و نشر خصوصیات و ویژگی های زندگی او میروند، طی مصاحبه هایی از نحوه کار، رموز موفقیت، حتی از اینکه چه نوع لباسی و چه رنگی را دوست دارند، و چه طعم غذایی را می پذیرند و رفتارش را با خانواده و همسایگان و گاهاً از سفر و خاطرات زندگی پرس و جو می کنند و برای بینندگان و شنوندگان رسانه ها هم بسیار جذاب می نماید.

روی این ملحوظ خواستم از سیمای حضرت مهدی(عج) و ویژگی‌های او و یارانش و نیز تصویری از حکومت جهانی حضرتش در پناه روایات و احادیث نورانی ارائه دهم.

اگرچه حضرت مهدی(عج) با هیچ یکی از نوابغ و مخترعان و مکتشفان و رؤسای جمهور جهان مقایسه نمیشود و حضرتش هیچ یکی از این عناوین و القاب را ندارد و حقاً او نه نابغه است، نه مخترع، نه مکتشف و نه رئیس جمهور به دلائلی که جایش در این مقاله نیست. چنانچه انبیاء عظام هیچ یکی از این‌ها نبودند، او ولی الله الاعظم، حجت حق، امام معصوم، خاتم اوصیاء، خزینه سرّ خدا، معدن علم اله و ... است. اما از باب تقریب ذهن و فن بیان و نبشته و جلب خاطر خواننده و تمثیل و مثال پاراگراف اول را نوشتم.



سیمای مهدی (عج)

سیمای حضرتش در بیان امام علی ابن ابیطالب (ع)

اینگونه است:

«هو شباب مربوع، حسن الشعر، حسن الوجه، يسيل
شعره على منكبيه، و نور وجهه يعلو سواد شعره ولحيته
و رأسه بأبي ابن خيرة الإمام» (امام علی و امام
مهدی، تحقیق واحد پژوهش و تحقیق موعود،
ص ۱۳ - به نقل از الغیبه طوسی ره ص ۲۸۱ و
عقد الدرر ص ۴۱)

ترجمه:

او جوان چهار شانه و متوسط قامت، خوش مو و
خوش چهره است، موهای او بر روی شانه هایش
ریخته و نور چهره اش بر سیاهی موها و محاسن
سرش غلبه دارد، به فدای زاده بهترین کنیزان گردهم.
امام حسن عسکری علیه السلام در ترسیمی از

سیمای فرزندش چنین فرمود:

«الحمد لله الذي لم يخرجني من الدنيا حتى اراني الخلف
من بعدى اشبه الناس برسول الله خَلْقاً و خُلُقاً؛ يحفظه الله
تبارك و تعالی في غيبته، ثم يظهره فيملاً الارض عدلاً»



و قسماً كما ملئت جوراً و ظلماً» (دو خاتم، واحد
پژوهش و تحقیق موعود، ص ۱۹ - به نقل از کمال
الدین صدوق ره، ج ۲، ص ۱۱۸ و بحار الانوار
ج ۵۱، ص ۱۶)

ترجمه:

سپاس خدای را که مرا از دنیا نبرد تا اینکه جانشینم
را به من نشان داد، همان که شبیه‌ترین مردم از
لحاظ روحيات و شمائل به رسول اکرم صلی الله
علیه و آله و سلم می‌باشد، خداوند متعال از او در
غیبتش محافظت می‌کند و پس از آن ظاهرش
می‌نماید تا زمین را آکنده از عدالت و قسط کند
همانگونه که مملو از جور و ظلم شده باشد.

و رسول گرامی اسلام نیز ضمن حدیثی چنین فرموده:
«القائم من ولدی، اسمہ اسمی، کنیتہ کنیتی و شمائلہ
شمائلی و سنتہ سنتی، ...» (دو خاتم، پژوهش و
تحقیق موعود، ص ۲۰ - به نقل از کمال الدین
صدوق ره، ج ۲، ص ۱۲۲ و بحار الانوار، ج ۵۱،
ص ۷۳)



ترجمه:

قائم، یکی از فرزندان من است، نام او نامم و کنیه اش
کنیه من است، سیمای ظاهری و سیره اش سیره ی
من است.

و نیز حضرت امیرمؤمنان علیه السلام در خطابه ای چنین

بیان نموده:

«یخرج رجل من ولدی فی آخرالزمان، ابيض اللون،
مشرب الحمرة، مبدح البطن، عريض الفخذین، عظیم
مشاش المبکین، بظهره شامتان؛ شامة على لون جلده و
شامة على شبه شامة النبی صلی الله علیه و آله؛ له
اسمان: اسم یخفی و اسم یعلن: فاما الذی یخفی فاحمد و
اما الذی یعلن فـ «م ح م د» و اذا هزّ رأیته اضاء لها
ما بین المشرق و المغرب و وضع یدہ على رؤوس العباد
فلا یبقی مؤمن الا صار قلبه اشدّ من زبر الحديد و اعطاه
الله تعالی قوة اربعین رجلاً...» (دو خاتم، نشر واحد
پژوهش و تحقیق موعود، ص ۲۲، به نقل از کمال

الدین صدوق ره، ج ۲، ص ۶۵۳)



ترجمه:

مردی از فرزندانم در آخر الزمان ظهور می‌کند، رنگش سفید آمیخته به سرخی، شکمش برآمده، رانهایش بزرگ و گره شانیه‌هایش قوی است. بر پشتش دو خال وجود دارد: یکی به رنگ پوستش و دیگری همانند مهر نبوت نبی اکرم(ص)، دو نام دارد: یکی مخفی و دیگری آشکار: نام مخفی‌اش احمد و نام آشکارش «م،ح،م،د» است، هر گاه پرچم خود را به اهتزاز در آورد شرق و غرب عالم را روشن می‌کند، دستش را بر سر بندگان خدا می‌کشد، و به دنبال آن هیچ مؤمنی باقی نمی‌ماند جز اینکه دلش از کوه آهنین قرص‌تر و محکم‌تر می‌شود و خداوند متعال نیروی چهل مرد را به او می‌دهد ...»

و نیز پیامبر بزرگوار اسلام در بیان کوتاهی این چنین فرمود:

«المهدی من ولدی، وجهه کالکوکب الدرّی، اللون لون عربی و الجسم جسم اسرائیلی...» (امام مهدی و بانوان حریم ولایت، اثر واحد پژوهش و تحقیق موعود، ص ۱۶، به نقل از کوثر ولایت، ص ۲۷ تا ۲۹)



ترجمه:

مهدی از تبار من است، چهره‌اش همانند ستاره
درخشان، و سیمایش سیمای عربی و هیکلش هیکلی
اسرائیلی [یعنی: قامتش بلند و رشید است] است...»
و نیز حضرت امیرمؤمنان علیه السلام راجع به حضرت
و یاران او چنین گوید:

«ان اصحاب القائم شباب لا كهول فيهم، الا كالكحل
في العين، او كالمح في الزاد، و اقل الزاد الملح» (امام
علی و امام مهدی، اثر واحد پژوهش و تحقیق
موعود، ص ۳۶، به نقل از الغیبه طوسی ره،
ص ۲۸۴، و الغیبه نعمانی، ص ۳۱۵ و بحار، ج ۵۲،
ص ۳۳۳)

ترجمه:

همانا یاران قائم جوانانند و پیرمرد ایشان جز به
اندازه سرمه چشم و نمک در توشه سفر یافت
نمیشود که کمترین توشه‌ی سفر، نمک است.



حکومت مهدی (عج)

بعد از فراغ از تمثیل سیما می‌رسیم به تصویر حکومت

حضرتش و اینک:

امیر مؤمنان علی علیه الصلاه و السلام وسعت حکومت او
را چنین بیان فرموده:

«یسیر المهدی حتی ینزل بیت المقدس و تنقل الیه

الخرائن و تدخل العرب و العجم و اهل الغرب و الروم و

غیرهم فی طاعته» (امام علی و امام مهدی، اثر

واحد پژوهش و تحقیق موعود، ص ۳۸، به نقل از

الفتن ابن حمان، ص ۱۴۴)

ترجمه:

مهدی حرکت می‌کند تا بیت المقدس میرسد و هم

گنج‌ها را به نزدش می‌آورند و عرب و عجم و

غریبان و روم و سایر جاها در طاعت او گرد

می‌آیند.



و نیز حضرت علی علیه السلام خیرات و برکات
حکومت او را در جهان حیوان و انسان و نباتات این
چنین توصیف می نماید:

«فیبعث المهدي الى امرائه بسائر الامصار بالعدل
بين الناس، و ترعى الشاة و الذئب في مكان واحد، و
تلعب الصبيان بالحيات و العقارب، لا يضرهم شيء، و
يذهب الشر و يبقى الخير و يزرع الانسان مداً يخرج له
سبعمأة مد، كما قال الله تعالى: «كمثل حبة انبتت سبع
سنابل في كل سنبله مائة حبة و الله يضاعف لمن يشاء.»
و يذهب الرباء و الزنا، و شرب الخمر و الربا و تقبل
الناس على العبادة (و العمل) و المشروع الديانة و
الصلاة في الجماعات، و تطول الاعمار، و تؤدى الامانة،
و تحمل الاشجار، و تتضاعف البركات، و تهلك
الاشرار، و يبقى الاخيار، و لا يبقى من يبغض اهل
البيت(ع)» (امام علی و امام مهدي، اثر واحد



پژوهش و تحقیق موعود، ص ۶۰، به نقل از عقد

الدر، ص ۱۵۹)

ترجمه:

مهدی امیرانش را به سایر جاها می فرستد تا به عدالت میان مردم رفتار کنند، در آن دوره گرگ و میش در یک مکان چرا می کنند و کودکان با مارها و عقربها بازی می کنند و ضرری به آنها نمی رسد و شر برچیده می گردد و خیر به جای آن باقی می ماند، شخصی یک مد می کارد و هفت صد مد برداشت می کند. همان طور که خداوند متعال فرمود: (همانند دانه ای که کاشته شود هفت خوشه و در هر خوشه صد دانه بار می آید و خداوند برای هر که بخواهد آنرا دوچندان می کند.)

ربا و زنا و شراب خواری و ریا بر چیده میشود و مردم به عبادت و عمل صالح و امور شرعی و دینداری و نماز جماعت رو می آورند، عمر طولانی میشود و امانات پس داده میشود، درختان به بار می نشینند و برکات دو چندان می گردد، شریران هلاک



و نیکان باقی می‌مانند و احدی از دشمنان اهل البيت باقی نمی‌ماند.

و هم چنان حضرتش در بیان دیگری اینچنین توصیف می‌نماید:

«بنا یفتح الله و بنا یختم الله، و بنا یمحو ما یشاء و یثبت، و بنا یدفع الله الزمان الکلّب، و بنا ینزل الغیث، فلا یغرّنکم بالله الغرور، ما انزلت السماء قطرة من ماء منذ حبسه الله عزّوجلّ.

و لو قد قام قائمنا لانزلت السماء قطرها، و لا خرجت الارض نباتها و لذهبت الشّحنا من قلوب العباد، و اصطلحت السّباع و البهائم، حتّى تمشی المرأة بین العراق الی الشّام، لاتضع قدمیها الاّ علی النبات، و علی رأسها زنبیلها لایهیجها سبع و لاتخافه» (امام علی و مهدی، اثر واحد پژوهش و تحقیق موعود، ص ۴۱، به نقل از خصال صدوق، ص ۶۱۰ و بحار الانوار ج ۵۲، ص ۳۱۶)



ترجمه:

خداوند بما همه چیز را آغاز می‌کند و بما خاتمه می‌بخشد، هرچه را بخواهد بما محو یا اثبات می‌کند، زمان را خداوند بما برطرف می‌کند و بوسله ما باران را نازل می‌کند، پس به خداوند مغرور نشوید که حتی یک قطره از آسمان به خودی خود پائین نیامده است.

و اگر قائم ما قیام نماید آسمان قطراتش را فرو می‌ریزد و زمین گیاهانش را بیرون آورد و کینه از دل‌های بندگان رخت بربندد و رابطه درندگان و چهارپایان اصلاح شود به نحوی که زنی از عراق تا شام راه میرود و تنها بر گیاهان گام می‌زند و سبب یا کوله بار سفرش را بر سر می‌نهد و هیچ حیوان درنده‌ای به او حمله نمی‌کند و او را نمی‌ترساند.

و نیز از آقایم حسین بن علی علیه السلام راجع به بی

نیازی مردم روایت است:

«عن الحسین بن علی علیه السلام انه قال: تواصلوا

و تباروا، فوالذی فلق الحبة و برأ السمّة، لیأتین علیکم



وقت لایجد احدکم لدیناره و لا لدرهمه موضعاً» (از
حسین تا مهدی، اثر پژوهش و تحقیق موعود،
ص ۴۹)

ترجمه:

با یکدیگر رابطه برقرار کنید و به همدیگر احسان
کنید، سوگند به آن خدای که دانه را شکافت و
جانداران را آفرید بر شما آنچنان روزی فرا خواهد
رسید که در آن هیچ کس برای رفع نیاز نیازمندان
دینار و درهم خود جای را پیدا نمی‌کند.

و نیز در اینکه کار او یکشبه سامان می‌پذیرد. از

آقایم حسین بن علی علیه السلام روایت است که:

«... و هو قائمنا اهل البیت، یصلح الله تبارک و

تعالی امره فی لیلة واحدة» (کمال الدین صدوق ره،

ج ۱، ص ۳۱۷، ح ۱ - بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۳۲)

ترجمه:

... و او قائم ما اهل البیت است که خدای متعال

امر او را در یک شب اصلاح می‌کند.



سیرت مهدی (عج)

سرور شهیدان حسین بن علی علیه السلام از زبان

پدرش سیرت او را این چنین شرح می‌دهد:

«عن الحسین بن علی (ع) قال: جاء رجل الي

امير المؤمنين (ع) فقال له:

يا امير المؤمنين نبئنا بمهديكم هذا؟

فقال: اذا درج الدارجون، و قل المؤمنون، و ذهب

المجلبون، فهناك هناك.

فقال: يا امير المؤمنين! ممن الرجل؟

فقال: من بني هاشم، من ذروة طود العرب و بحر مغيضا

اذا وردت، و مخفر اهلها اذا اتيت، و معدن صفوتها اذا

اكتدرت، لا يجين اذا المنايا هكعت، و لا يخور اذا المنون

اكتنعت، و لا ينكل اذا الكماة اصطرعت، مشمر مغلوب

ظفر ضرغامه حصد مخدش ذكر، سيف من سيوف الله،

راس، قثم، نشوء رأسه في باذخ السؤدد، و عارز مجده

في اكرم المحتد فلا يصرفنك عن بيعته صارف عارض



ینوص الی الفتنة کل مناص، ان قال نشر قائل، ان سکت
فدو دعاير.

ثم رجع الی صفة المهدي فقال: اوسعکم كهفأ و اکثرکم
علمأ و اوصلکم رحماً، اللهم فاجعل بعثه خروجأ من
الغمة و اجمع به شمل الامة فانّ خارالله لك فاعزم و
لاتتشين عنه ان وفقت له و لاتجوزنّ عنه ان هديت اليه،
آه و أوما بيده الی صدره — شوقأ الی رؤيته.» (از
حسين تا مهدي اثر واحد پژوهش و تحقيق
موعود، ص ۲۰، به نقل از الغيبة نعماني، ص ۲۱۲،
بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۱۵، ح ۱۴)

ترجمه:

از امام حسين عليه السلام نقل است كه فرمود:
مردی خدمت اميرالمؤمنين عليه السلام آمد و عرض
کرد: ای اميرمؤمنان به ما از مهدي آل محمد خبر ده،
حضرت فرمود:



آنگاه که روندگان بروند، زمانها بگذرند، مؤمنان کمیاب شوند و فراهم آمدگان نابود شوند، در آن زمان او خواهد آمد.

عرض کرد: ای امیرمؤمنان! او از کدام قبیله است؟ فرمود: از بنی هاشم، از قلّه بلند عرب، از جایگاه ژرف درای آن هرگاه در آیند، از جفا دیده‌های قبیله خود و هرگاه حاضر شوند و از کان زلال آن هرگاه تیره گردند.

او هیچ هراسی ندارد، آنگاه که مرگها حریصانه نابود سازند و ناتوان نمی‌گردد و آنگاه که حوادث تلخ روزگار را احاطه کند نگران نمیشود آنگاه که شجاعان فرو افتند.

او کارآمد چیره است و پیروز، شیر دروگر دشمنان و زخم افکن نام‌آور است. شمشیری از شمشیرهای خداست، سرور، سالار، بخشنده و بزرگووار است، اندیشه او از دنیا و آخرت رهیده و در عالی‌ترین جایگاه سیادت بند آمده است و مجد ریشه‌دار او در گران‌بهاترین اصالت‌ها جا یافته است.



پس (هشدار که) آن (شیطان از حق) برگشته مانع (راه خدا) که هر زمانی بر فتنه‌ای برمی‌خیزد (آنچنان که) اگر گوید بدترین گوینده است و اگر خاموش شود بر آهنگ، تو را از بیعت با او منصرف نکند. حضرت پس از این هشدار باز به توصیف مهدی پرداخته، می‌فرماید:

پناه دهنده‌گی او از همه فراگیرتر، علم او از همه فزون‌تر و صله رحم او از همه بهتر و بیشتر است. خدایا ظهور او را بیرون شدن از اندوه و درد قرار ده و به سبب او پراکندگی امت اسلام را گردآور، پس اگر توفیق هم‌زمانی او را یافتی بدین وسیله خدای سبحان خیر تو را فراهم آورد، مصمم و استوار باش و از او رو بر متاب و اگر به حضور او راه یافتی از او مگذر یعنی به دیگری مپرداز. در این جا حضرت با دست اشاره به سینه خود نموده، فرمود: آه که چه شوقی به دیدار او دارم.

در این فراز از سخن به یاد حدیثی افتادم که آقا حسین بن علی علیه السلام در آرزوی خدمت رسی فرزندش بوده، می‌فرماید:



«و لو ادر کته لخدمته ایام حیاتی»

ترجمه:

اگر زمان او را درک کنم در تمام عمرم به خدمتش
خواهم بود.

چالش‌ها و مدت حکومت مهدی (عج)

در حدیثی مدت حکومت وسیع و فراگیر
حضرتش را نوزده سال و چند ماه ذکر نموده
که متن آن چنین است:

«عن ابی عبدالله الحسین علیه السلام قال: یملک
المهدی تسعة عشر سنة و اشهرأ» (عقد الدرر،
ص ۲۳۹)

ترجمه:

از ابا عبدالله (ع) روایت است که فرمود: مالکیت یا
حکومت او نوزده سال و چند ماه می‌باشد.



این مدت اگر چه کم به نظر می‌رسد لکن با مقایسه با حکومت پنج ساله حضرت امیر سلام الله علیه که در محیط محدود از قلمرو کشور اسلامی و با وجود موانع و سنگ اندازی‌های جمل و نهروان و صفین که اکثر این مدت به جنگ سپری شد چقدر برکات داشت، حکومت او با توجه به وسعت آن و رفع موانع به مدت بسیار کمی که مدت او را هیجده ماه گفته‌اند و با توجه به سامان یابی کارش در یک شب به مراتب پر بار و پر برکت می‌نماید و بعد از ایشان حکومت به جدش حسین بن علی (ع) انتقال می‌یابد و حضرت تا دوره پیری حکومت می‌کند که طبق روایات ابرویش از پیری به چشمانش می‌افتد هیجده ماه خوانده شده که متن آن چنین است:

«عن عیسی الخشاب، قال: قلت للحسین بن

علی (ع): انت هذا الامر؟

قال: لا، ولكن صاحب هذا الامر الطريد الشريد الموتور بابيه، المكنى، بعمه يضع سيفه على عاتقه



ثمانية أشهر» (از حسین تا مهدی، اثر واحد پژوهش و تحقیق موعود، ص ۴۴، به نقل از کمال الدین، ج ۱، ص ۳۱۸، و اثبات الهداه، ج ۶، ص ۳۹۸، ح ۱۲۳)

ترجمه:

صدوق ره از عیسی خشاب نقل می‌کند که گفت: به امام حسین(ع) عرض کردم: آیا صاحب امر شمائید؟ فرمود: نه، بلکه صاحب امر آن دور افتاده (به آخر زمان) فراری (از انبوه ناهلان) است، که انتقام خون پدر گرفته نشده و پنهان شده از دست عموی خویش است، و (آنگاه که ظهور کند) شمشیر (پیکار با ستمگران) هشت ماه بر شانه خود می‌نهند.

در پایان خوب است که از دفن و کفن و حنوط حضرت هم سخنی داشته باشیم که طبق روایت به دست مبارک جدش حسین بن علی(ع) انجام میشود که متن آن چنین است:

«عن ابی عبدالله: جاء الحجة الموت فيكون الذي يغسّله و يكفّنه و يحنّطه و يلحّده في حضرت الحسين و لایلی



الوصیّ الآ الوصیّ» (از حسین تا مهدی، اثر واحد پژوهش و تحقیق موعود، ص ۶۰، به نقل از بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۹۴ و تفسیر برهان، ج ۲، ص ۴۰۷، ح ۷)

ترجمه:

امام صادق علیه السلام می فرماید: هنگامی که اجل حضرت مهدی فرا می رسد و دیده از جهان فرو می بندد آنگاه امام حسین (ع) آنحضرت را غسل و کفن و حنوط نموده، خاک می گذارد که هرگز امام را جز امام غسل نمی دهد.

البته این موضوع امام حسین علیه السلام در بحث رجعت روشن است که خود مقاله ای مستقل می خواهد.

اللّهم کن لولیک الفرج و اجعلنی من اعوانه و
انصاره بجاه محمّد و آله



آثار چاپ شده مؤلف:

- ۱- تفکر و تعقل پاسخگوی پندار خرافات فارسی
- ۲- المختصر - تلخیص اصول المظفر(ره) عربی
- ۳- افغانستان در آزمون زمان فارسی
- ۴- در کلاس عقاید فارسی
- ۵- نیمرخ از حادثه عاشورا فارسی
- ۶- دروس فی علم الرجال عربی
- ۷- دروس فی علم الدرایه عربی
- ۸- مهدی، خویشاوند جهان فارسی

آثار در دست چاپ مؤلف:

- ۱- ده سخن فارسی
- ۲- اخلاق اجتماعی اسلام
(تفسیر سوره‌ی حجرات) فارسی
- ۳- قریه‌های ظاهره فارسی
- ۴- گوهر و حقیقت دین فارسی
- ۵- قلمروهای دین فارسی
- ۶- وصایای امیرالمؤمنین(ع) فارسی
- ۷- شرح خطبه‌ی غرّاً فارسی
- ۸- جغرافیای افغانستان فارسی
- ۹- فقه الاحکام در ۵ جلد (کتاب الصلوة) عربی
(تقریرات خارج فقه، مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی علوی
گرگانی دام ظلّه العالی)
- ۱۰- نصوص عاشورا در ۲ جلد فارسی